



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

انتشارات نور راه حق

# پندهای پیامبر اکرم

به ابوذر غفاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پندهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به ابوذر غفاری

نویسنده:

خیرالله سلیم زاده

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	پندهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به ابوذر غفاری
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۹	مقدمه حدیث
۱۱	پنج چیز را غنیمت شمار
۱۴	عمر عزیز خودت را به گناه و کارهای بیهوده صرف منما
۱۷	به کوچکی گناه ننگر
۲۲	انسان بهشتی به بالا می نگرد
۲۶	انسان زیرک و باکیاست کسی است که...
۲۹	خدا عزوجل هرگاه خیر کسی را بخواهد
۳۳	هرگاه نور در دل تابید دل گشاده و فراخ می گردد
۳۹	آیا دوست داری که به بهشت درآیی؟
۴۴	همنشین نیکو بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد
۵۲	هرکس در روز قیامت سه چیز همراه نداشته باشد زیانکار است
۵۸	وای بر کسی که سخن دروغ می گوید
۶۳	آیا کسی از تکبر (خود بزرگ بینی) نجات می یابد؟
۶۹	درباره مرکز

## پندهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) خطاب به ابوذر غفاری

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: پندهای پیامبر اکرم (ص) خطاب به ابوذر غفاری [کتاب] / خیر الله سلیم زاده؛

طرح جلد: محسن زمانی

مشخصات نشر: قم: در راه حق، ۱۳۷۸

مشخصات ظاهری: ۶۳ ص

موضوع: ابوذر غفاری، جناب بن جناده، - ۳۲ق. -- احادیث

یادداشت: فارسی - عربی.

موضوع: احادیث اخلاقی

موضوع: اخلاق اسلامی

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)

یادداشت: دوره جدید

یادداشت: چاپ اول

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۵۰۷۴۳

ص: ۱

اشاره

پندهای پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)

خطاب به ابوذر غفاری (رضوان الله تعالی علیه)

خیر الله سلیم زاده

ص: ۲

کتابی که پیش روی شما است سخنان گرانمایه حضرت پیامبر اکرم، خاتم انبیاء (صلی الله علیه وآله وسلم)، خطاب به ابی ذر غفاری رضوان الله تعالی علیه - که یکی از اصحاب با وفا و پابرجای آن بزرگوار بوده است و حکم و مواعظ سودمند و پند و اندرزهای بسیار مفید برای همه مسلمانان در آن نهفته است - مجدداً با ترجمه اش چاپ می شود. در این ترجمه از کتاب عین الحیاه مرحوم علامه مجلسی (قدس سره)، و از ترجمه دانشمند گرامی جناب مستطاب آقای تجلیل تبریزیزید عزّه کمک گرفته ام و اصل عربی این حدیث را به جهت صحت متن و مصوئیت از اشتباه و غلط با چند کتاب از کتب معتبره علماء سلف و بزرگ شیعه امامیه اثنا عشریه تطبیق و تصحیح نمودم و در موارد اختلاف در تعبیر عبارات اصل حدیث در این چند کتاب، نسخه بدل ها را مابین دو پرانتز ذکر کرده ام ولی در ترجمه حدیث، جمله ها و کلماتی که مابین دو پرانتز قرار گرفته است غالباً برای توضیح است.

امید است که این جزوه مورد استفاده عموم مؤمنین و اهل دین و پیروان سید المرسلین و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین واقع گردد و همه از آن بهره های معنوی دنیایی و آخرتی بگیرند. ان شاء الله تعالی.

لازم به تذکر است که تجزیه این کلام نورانی که در ضمن ۱۴۷ شماره ارائه گردیده از بعض نویسندگان است و مستند به اصل حدیث نمی باشد.

العبد خیر الله سلیم زاده

مرحوم شیخ طوسی در کتاب (امالی) جلد دوم چاپ نجف صفحه ۱۳۸-۱۵۲ و مرحوم شیخ طبرسی در کتاب (مکارم الاخلاق) چاپ بیرون صفحه ۴۵۵-۴۷۱ باب ۱۲ فصل ۵ و مرحوم ورام بن ابی فراس در کتاب (مجموعه ورام) چاپ ایران قم در سنه ۱۳۷۵ صفحه ۲۷۳-۲۸۴ و مرحوم مجلسی در کتاب (بحارالانوار) چاپ ایران جلد ۷۷ صفحه ۷۴-۹۱ باب ۴ حدیث ۶۳ و در کتاب (عین الحیاه) (که همه اش از اول تا آخر شرح همین حدیث ابی ذر است) همه این بزرگان در این کتابهای خود مسنداً و مجموعه ورام مرسلأً از ابوذر غفاری (رضوان الله تعالی علیه) روایت کرده اند که ابوذر گفت من داخل شدم در اوائل یک روز در مسجد پس به جز پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و علی (علیه السلام) که در کنار آن حضرت بودند، هیچ کس دیگری را در آنجا ندیدم، پس من خلوت مسجد را مغتنم شمردم و عرض کردم یا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) پدر و مادرم فدای تو باد، سفارشی به من بفرماید که خدا مرا به آن سفارش نفع رساند.

پس آن حضرت فرمودند: (مطالبی را که ترجمه ظاهرش چنین است) (تو را سفارش خواهم کرد) و چه بسیار گرامی و پسندیده ای تو در نزد ما ای ابوذر تو از ما اهل بیت می باشی و همانا که من تو را به دستور و پندی (عظیم) سفارش می کنم پس تو آن را (در فکر و عمل خود) حفظ کن (نگهداری نما) که آن جامع (در بردارنده) همه راههای خیر (و خوبی و نجات است) پس اگر تو آن را (در ذهن و در کار خود) حفظ کنی و (بدان عمل نمایی) برایت بهره ای عظیم (از رحمت الهی خیر دنیا و آخرت) خواهد بود.

۱. یا ابادرّ: اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ.

ای ابوذر: خدا را چنان بندگی کن که گویا او را می بینی، پس اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

۲. وَ اعْلَمْ يَا اِبَادِرُّ: اِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ اَهْلَ بَيْتِي فِي امْتِي كَسَيَفِيْنِهِ نُوحٌ مِّنْ رَّكِبِهَا نَجِيٌّ وَ مَن رَّغِبَ عَنْهَا عَرِقَ (۱)، وَ مِثْلَ بَابِ حِطَّةٍ (۲) فِيْ بَنِيْ اِسْرَائِيْلَ مَن دَخَلَهُ كَانَ اِمْنًا.

بدان ای ابوذر: که خدای عزیز و بزرگ اهل بیت مرا در میان امت من بمانند کشتی نوح گردانیده است، هر کس در آن سوار شد از هلاکت رست و هر کس از آن

ص: ۵

- 
- ۱- (۱) - ظاهراً اشاره به آیه ۴۰ سوره هود: وَ اَهْلَكَ اِلَّا مَن... و آیه ۱۱۹ و ۱۲۰ سوره شعراء... ثُمَّ اَغْرَقْنَا...  
۲- (۲) - ظاهراً اشاره است به آیه ۵۸ و ۵۹ سوره بقره... وَ قَوْلُوا حِطَّةً وَ آیه ۱۶۱ و ۱۶۲ سوره اعراف... وَ قَوْلُوا حِطَّةً...

روی بگردانید غرق گشت. همچنین مانند درب حطه در میان بنی اسرائیل که اگر کسی از آن وارد می شد از عذاب خدا ایمن می گشت.

۳. یا ابادر: اَحْفَظْ مَا اَوْصِيكَ بِهِ تَكُنْ سَعِيداً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اِبَادِر: نِعْمَتَانِ مَعْبُودٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، الصَّحَّةُ وَالْفِرَاقُ.

ای ابوذر: پندهای مرا نگهداری (و مراعات) کن تا در دو جهان سعادت‌مند گردی، ای ابوذر: بسیاری از مردم در مورد دو نعمت مغبون هستند (از آن قدردانی و استفاده خوب نمی کنند)، تندرستی و فراغت (بال).

### پنج چیز را غنیمت شمار

۴. یا ابادر: اغْنِمْ خَمْساً قَبْلَ خَمْسٍ، شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَصِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ، وَغِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ، وَفِرَاقَكَ قَبْلَ شُغْلِكَ وَحَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.

ای ابوذر: پیش از آنکه پنج چیز به تو روی آورد، پنج چیز را غنیمت شمار (از آنها استفاده شایسته کن): جوانی را پیش از پیری، تندرستی را پیش از بیماری، توانگری را پیش از پریشانی و فراغت را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مرگ.

۵. یا ابادر: اِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ بِاِمْلِكَ، فَاِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ، فَاِنْ يَكُنْ عَدُّ لَكَ فَاِنَّكَ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ، وَ اِنْ لَمْ يَكُنْ عَدُّ لَكَ لَمْ تَنْدَمْ عَلٰى مَا فَرَّطْتَ فِي الْيَوْمِ.

ای ابوذر: مبادا به درازی ( و طول) آرزو، کارهای شایسته را به تأخیر افکنی، زیرا

که تو اکنون همین امروز را داری نه ما بعد آن را پس اگر فردایی داشتی در آن نیز بمانند امروز باش، و اگر فردایی برایت نبود پشیمانی امروز را نخواهی برد که در آن کوتاهی کرده ای.

۶. یا ابادرّ: كَمْ مِنْ مُسْتَقْبِلِ يَوْمًا لَا يَسْتَكْمِلُهُ وَ مُنْتَظِرِ غَدًا لَا يَبْلُغُهُ.

ای ابادر: چه فراوانند کسانی که صبح را به شام نمی رسانند و چه فراوان کسانی که به انتظار فردا هستند ولی به آن نمی رسند.

۷. یا ابا ذرّ: لَوْ نَظَرْتَ إِلَى الْأَجَلِ وَ مَسِيرِهِ لَأَبْغَضْتَ الْأَمَلَ وَ غُرُورَهُ.

ای ابوذر: اگر به اجل نگری و بینی که به سویت می آید هر آینه آرزوها و فریبکاری آن را دشمن خواهی داشت.

۸. یا ابادرّ: كُنْ كَأَنَّكَ فِي الدُّنْيَا غَرِيبٌ أَوْ كَعَابِرِ سَبِيلٍ، وَ عُدَّ نَفْسَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ.

ای ابوذر: در جهان چنان زی که در دیار غربت بسر می بری، یا مانند رهگذری باش و خود را از آن گروهی به شمار که به زیر خاک آرمیده اند.

۹. یا ابادرّ: إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ

بِالْمَسَاءِ، وَ إِذَا امْسَيْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالصَّبَاحِ، وَ خُذْ مِنْ صِحَّتِكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ مِنْ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ، لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي مَا اسْمُكَ غَدًا.

ای ابوذر: هنگامی که صبح کردی به خویشتن نوید شامگاه مده و هنگامی که به شام رسیدی صبح گاه فردا را به خویش باز گویی منما، (هم اکنون) از تندرستی خود پیش از آنکه دچار بیماری شوی و از زندگی خویش پیش از آنکه مرگ تو را دریابد (برای آخرت و دینت) بهره گیری کن، زیرا تونمی دانی فردا بر تو چه نام نهاده خواهد شد، (زنده یا مرده).

۱۰. يَا اَبَاذُرٍّ: اِيَّاكَ اِنْ تُدْرِكَكَ الصَّرْعَةُ عِنْدَ الْعَثْرَةِ فَلَا تُقَالُ الْعَثْرَةُ وَلَا تَمَكَّنُ مِنَ الرَّجْعَةِ وَلَا يَحْمِي دُكَ مَنْ خَلَفَتْ بِمَا تَرَكْتَ وَلَا يَعْذِرُكَ مَنْ تَقَدَّمَ عَلَيْهِ بِمَا اسْتَعْلَتْ بِهِ.

ای ابوذر: مبادا ناگهان مرگ تو را در حال لغزش و گناه دریابد، پس لغزش و گناه اقاله و جبران نشود و توانایی بازگشت تو را نباشد و آن کس که اندوخته تو برای او مانده تو را سپاسگزاری نکند و آن کس که به سوی او می روی تو را که برای اشتغالات مادی و گرد آوردن مال از ادای وظیفه نسبت به او بازمانده ای معذور ندارد.

۱۱. يَا اَبَاذُرٍّ: مَا رَأَيْتُ كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا وَلَا مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا.

ای ابوذر: چیزی ندیدم مانند آتش دوزخ که فرار کننده از آن بخواب رفته باشد و نه مانند بهشت که خواهان آن به خواب رفته باشد.

## عمر عزیز خودت را به گناه و کارهای بیهوده صرف منما

۱۲. یا ابادر: کُنْ عَلٰی عُمْرِكَ اشْحَ عَلٰی دِرْهَمِكَ وَ دِنَارِكَ.

ای ابوذر: بر عمر خود بخیل تر از درهم و دینارت باشد. (عمر عزیز خودت را به گناه و کارهای بیهوده صرف منما)

۱۳. یا ابادر: هَلْ يَنْتَظِرُ احَدُكُمْ اِلَّا غِنًى مُّطْعِياً اَوْ فَقْرًا مُّسِيّاً اَوْ مَرَضًا مُّفْسِداً اَوْ هَرَمًا مُّقْعِداً اَوْ مَوْتًا مُّجْهَزا اَوْ الدَّجَالَ، فَاِنَّهُ شَرُّ غَايِبٍ اَوْ السَّاعَةِ تُنْتَظَرُ وَ السَّاعَةُ اَذْهَى وَ اَمْرٌ.

ای ابوذر: آیا هیچ یک از شما جز این انتظار می برد، که ثروت و مالی که بطغیان انجامد به دست آورد و یا فقر و پریشانی که موجب فراموشی خدا گردد و یا بیماری که جان او را تباه سازد یا پیری که او را از کار و فعالیت باز دارد و یا مرگ که شتابان در رسد و یا دجال (فتنه انگیز) که شری پنهان است و یا رسیدن هنگام رستاخیز که انتظارش می رود و آن وقت ترسناک تر و تلخ تر است.

۱۴. یا ابادر: اِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْزِلَهُ عِنْدَ اللّٰهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ وَ مَنْ طَلَبَ عِلْمًا لِيُضَيِّرَ بِهِ وُجُوهُ النَّاسِ اِلَيْهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ. یا ابادر: مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ لِيُخَدَعَ بِهِ النَّاسَ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ.

یا ابادر: اِذَا سِئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ لَا اَعْلَمُهُ تَنْجُ مِنْ تَبِعْتِهِ وَ لَا تُفْتِ النَّاسَ بِمَا لَا عِلْمَ لَكَ تَنْجُ مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

یا ابادر: يَطَّلِعُ قَوْمٌ مِنْ اَهْلِ الْجَنَّةِ اِلَى قَوْمٍ مِنْ اَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ: مَا اَدْخَلَكُمْ

النَّارِ؟ وَقَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ بِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَتَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ: إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَلا نَفْعَلُهُ.

ای ابوذر: همانا بدترین مردم از جهت ارزش و م نزلت پیش پروردگار عالم در روز قیامت دانشمندی است که از دانش او بهره برده نمی شود، و هرکس طلب کند علم (دین) را تا اینکه توجه مردم را به سوی خویش جلب کند، بوی بهشت به او نرسد. (ای ابوذر) هرکس دانش آموزد تا با آن مردم را بفریسد بوی بهشت به او نرسد. (ای ابوذر) هرگاه از تو چیزی را پرسیدند که نمی دانی پس (به ندانستن آن اعتراف کن) بگو نمی دانم تا از گرفتاری و عقوبت آن برهی، و به آنچه نمی دانی فتوی مده تا از عذاب خدای در روز رستاخیز رهایی یابی (ای ابوذر) (روز قیامت) گروهی از مردم بهشت به سوی گروهی از اهل دوزخ سرکشی می کنند پس می پرسند به چه علت شما در آتش افتاده اید؟ در حالی که ما به برکت تعلیم و تربیت شما به بهشت رسیده ایم پس در جواب گویند: ما دیگران را به کار خیر و اعمال شایسته دستور می دادیم ولی خود از بکار بستن آن فروگذاری می کردیم (و به آن کارهای خیری که دیگران را امر می کردیم، عمل نمی کردیم).

۱۵. يَا اِبَادِرَّ: اِنَّ حُقُوقَ اللّٰهِ حَيْلٌ تَنَاوُهُ اَعْظَمُ مِنْ اَنْ يَّقُوْمَ بِهَا الْعِبَادُ، وَاِنَّ نِعْمَةً اَكْثَرُ مِنْ اَنْ تُحْصِيَهَا الْعِبَادُ، وَ لَكِنْ اَمْسُوا تَائِبِينَ وَ اصْبِحُوا تَائِبِينَ.

ای ابوذر: حقوق خداوند جلّ ثنائه بزرگتر از آن است که بندگان بتوانند به آن حقوق قیام نمایند و همانا نعمتهای او بیشتر از آن است که بندگان به شمارش آن توانا باشند ولی شما با توبه داخل شامگاه شوید و هر صبح (به سوی او) توبه کنید (به تقصیر خویش اعتراف نمایید).

۱۶. یا ابادر: اَنَّكَ فِي مَمَرِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي اجَالٍ مَنقُوصَةٍ وَاعْمَالٍ مَحْفُوظَةٍ وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً وَ مَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يُوشِكُ أَنْ يَحْصَدَ خَيْرًا وَ مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يُوشِكُ أَنْ يَحْصَدَ نَدَامَةً وَ لِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ.

ای ابوذر همانا تو در عبورگاه شب و روز قرار گرفته ای در مدتهای کوتاه و اعمالی که ضبط و نگهداری می شوند، و مرگ ناگهان می آید و هرکس تخم نیکی کاشت بزودی از آن خیر و سعادت درو خواهد کرد و هرکس تخم شر و بدکاری کاشت جز ندامت از آن درو نخواهد نمود و هر برزگر آن را درو خواهد کرد که کاشته است.

۱۷. یا ابادر: لَا يُسْبِقُ بَطِيءٌ بِحِظِّهِ وَلَا يُدْرِكُ حَرِيصٌ مَا لَمْ يَقْدِرْ لَهُ وَ مَنْ اعْطِيَ خَيْرًا فَاللَّهُ اعْطَاهُ وَ مَنْ وُقِيَ شَرًّا فَاللَّهُ وَقَاهُ.

ای ابوذر: بهره کسی را که شتاب نمی کند دیگری نمی تواند ببرد و آزمند و طمعکار به آنچه که برای وی مقدر نشده نمی رسد و هرکس به خیری رسد پس خدا به او عطا فرموده و هرکس از شری نگهداری شده خدا او را نگهداری کرده است.

۱۸. یا ابادر: الْمُتَّقُونَ سَادَةٌ وَالْفُقَهَاءُ قَادَةٌ وَ مُجَالِسَتُهُمْ زِيَادَةٌ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صِدْحِهِ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ وَ إِنَّ الْكَافِرَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ.

ای ابوذر: پرهیزکاران بزرگوارانند و فقها پیشوایانند و همنشینی با آنان موجب زیادت (علم و فضیلت است) انسان با ایمان گناه خود را چنان با اهمیت می نگرد به مانند آنکه زیر تخته سنگی قرار گرفته که بیم دارد بر وی فرود آید، ولی انسان کافر و خدانشناس به گناه چنان می نگرد که گویا مگسی بر روی بینی او در گذر است.

۱۹. یا ابادر: اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى اِذَا ارَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا جَعَلَ الذُّنُوبَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُمْتَلَةً وَ الْاِثْمَ عَلَيْهِ ثَقِيلاً وَ بِيلاً وَ اِذَا ارَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا اَنْسَاهُ ذُنُوبَهُ.

ای ابوذر: خدای (تبارک و تعالی) به هر بنده ای اراده خیر و سعادت داشته باشد گناهان را نصب العینش ساخته و نافرمانی و گناه را در نظر او سنگین و دشوار می سازد و هر گاه به بنده ای (در اثر نیات و اعمال بدش) اراده بدی و بدبختی نموده باشد گناهان او را از خاطرش فراموش می سازد.

### به کوچکی گناه ننگر

۲۰. یا ابادر: لَا تَنْظُرُ اِلَى صِغَرِ الْخَطِيئَةِ وَ لَكِنْ اَنْظُرْ اِلَى مَنْ عَصَيْتَ.

ای ابوذر: به کوچکی گناه ننگر، بنگر که چه کسی را نافرمانی کرده ای.

۲۱. یا ابادر: اِنَّ نَفْسَ الْمُؤْمِنِ اَشَدُّ اِرْتِكَاضًا مِنَ الْخَطِيئَةِ مِنَ الْعُصْفُورِ حِيْنَ يُقَذَفُ بِهِ فِي شَرِكِهِ.

ای ابوذر: اضطراب جان و دل انسان با ایمان برای گناه شدیدتر از اضطراب دل گنجشک است هنگام بدام افتادن.

۲۲. یا ابادر: مَنْ وَاْفَقَ قَوْلَهُ فِعْلَهُ فَذَلِكَ الَّذِي اَصَابَ حَظَّهُ وَ مَنْ خَالَفَ قَوْلَهُ فِعْلَهُ فَاِنَّمَا يُؤَيِّخُ نَفْسَهُ.

ای ابوذر: هر آنکس که کردارش با گفتارش مطابقت کند بهره خود را (از سعادت) دریافت نموده و هر آنکس که کردارش مخالف گفتارش باشد جز این نیست که (هنگام پاداش) خویشتن را سرزنش خواهد کرد.

۲۳. یا ابادر: الرَّجُلُ لِيَحْرُمَ رِزْقَهُ بِالذَّنْبِ يُصِيبُهُ.

ای ابوذر: مرد به سبب گناهی که می کند (چه بسا) از روزی خویش (که برایش مقرر شده) محروم می گردد.

۲۴. یا ابادر: دَعِ مَا لَشِتَ مِنْهُ فِي شَيْءٍ وَلَا تَنْطُقْ فِيْمَا لَا يَغْنِيكَ وَ اخْزَنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنُ وَرَقَكَ.

ای ابوذر: هر چه را که در آن تو را بهره نیست و به هیچ وجه به تو مربوط نمی شود ترک کن و به سخنی که فایده به حال تو ندارد لب مگشا و زبان خود را مانند پول خود که در حفظ آن می کوشی نگهداری نما.

۲۵. یا ابادر: اِنَّ اللّٰهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَيَدْخُلُ قَوْمًا الْجَنَّةَ فَيُعْطِيْهِمْ حَتّٰى يَمْلُؤُوْا وَ فَوْقَهُمْ قَوْمٌ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى فَاِذَا نَظَرُوْا اِلَيْهِمْ عَرَفُوْهُمْ، فَيَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اٰخْوَانُنَا كُنَّا

مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا فَبِمَ فَضَّلْتَهُمْ عَلَيْنَا، فَيُقَالُ هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ، أَنَّهُمْ كَانُوا يَجُوعُونَ حِينَ تَشْبَعُونَ وَ يَضْمُونَ حِينَ تَرُؤُونَ وَ يَقُومُونَ حِينَ تَنَامُونَ وَ يَشْخَصُونَ حِينَ تَخْفَضُونَ.

ای ابوذر: خدای (جل ثنائی) گروهی را به بهشت می برد پس چندان به آنان (نعمت) عطا می فرماید که خسته می شوند، و در فوق آنان گروه دیگری هستند که در پایه های بالاترند پس چون به آنها می نگرند آنان را می شناسند پس می گویند: پروردگارا اینان همان برادران ما هستند که در دنیا با هم بودیم (زندگی می کردیم) پس چرا آنان را بر ما برتری داده ای؟ در پاسخ گفته می شود: هیهات هیهات، آنگاه که شما سیر بودید آنان گرسنگی می کشیدند، آنگاه که شما سیراب بودید آنان تشنگی می بردند (روزه داشته)، آنگاه که شما در خواب بودید آنان ایستاده (به نماز مشغول) بودند، آنگاه که شما به استراحت می پرداختید آنان از برای خدا (از جا بلند می شدند) بیرون می شتافتند.

۲۶. يَا اِبَادِرُّ: جَعَلَ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمَانِ الْمَاءَ وَ إِلَى الْجَائِعِ إِذَا أَكَلَ شَبِيعَ وَ إِلَى الظَّمَانِ إِذَا شَرِبَ رَوِي وَ أَنَا لَا اشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ.

ای ابوذر: خدای عزوجل نماز را نور دیده من قرار داده و آنرا چنان محبوب من ساخته است که گرسنه غذا را و تشنه آب را دوست می دارد، گرسنه مقداری از غذا را که می خورد سیر می گردد، تشنه نیز قدری که آب می نوشد سیراب می گردد، ولی من از نماز سیر نمی شوم.

۲۷. یا ابادر: اِنَّ اللّٰهَ تَعَالٰی بَعَثَ عِیْسٰی بِنَّ مَرْیَمَ (علیه السلام)

بِالرُّهْبَانِیَّةِ وَ بُعِثْتُ بِالْحَنِیْفَةِ السَّمْحَةِ وَ حَبَّبَ الِّیَّ النِّسَاءَ وَ الطَّیِّبَ وَ جَعَلَ فِی الصَّلَاةِ قُوَّةَ عَیْنِی. (۱)

ای ابوذر: خدای متعال، عیسی (علیه السلام) را به رهبانیت مبعوث داشته و من بدین پاک و آسان برانگیخته شده ام و خوشبویی و زندگی با زن را به من محبوب ساخته و نور چشم مرا در نماز قرار داده است.

۲۸. یا ابادر: اَیْمَا رَجُلٍ تَطَوَّعَ فِی كُلِّ یَوْمٍ وَ لَیْلَةٍ اثْنَتَی عَشْرَةَ رُكْعَةً سِوَى الْمَكْتُوبَةِ كَانَ لَهُ حَقًّا وَاجِبًا یَبِیْتُ فِی الْجَنَّةِ.

ای ابوذر: هر مردی که در شبانه روز فزونتر از نمازهای واجب دوازده رکعت نماز بگذارد، حق ثابت او در برابر آن خانه ای در بهشت خواهد بود.

۲۹. یا ابادر: اِنَّكَ مَا دُمْتَ فِی الصَّلَاةِ فَانَّكَ تَقْرَعُ بِابِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَ مَنْ یُكْتَبِرُ قَرَعَ بِابِ الْمَلِكِ یُفْتَحُ لَهُ.

ای ابوذر: تا آنگاه که تو در حال نمازی به کوبیدن در پادشاه جبار پرداخته ای هر آنکس که در خانه پادشاه را زیاد بکوبد بالاخره به روی او باز می گردد. (یکی از صفات خدای متعال جبار است که به معنای: بزرگوار، فرمانفرما و مصلح امور نیز آمده است)

ص: ۱۵

---

۱- (۱) - این شماره در مکارم الاخلاق و بحار الانوار نیست ولی در امالی و در مجموعه ورام با مختصر اختلافی موجود می باشد.

۳۰. یا ابادر: ما من مؤمن یقوم مصیلاً الاّ- تناثر علیه البر ما بینه و بین العرش و وکل به ملک ینادی یابن ادم لو تعلم مالک فی الصلوه و من تناجی ما انفتلت.

ای ابوذر: انسان با ایمان هرگاه که به نماز می ایستد رحمت پروردگار عالم تا عرش بر او احاطه کند و فرشته ای بر او گماشته می شود که ندا می کند فرزند آدم اگر می دانستی که در نماز چه نصیب تو می گردد و با چه کسی سخن می گویی هرگز از آن باز نمی ایستادی.

۳۱. یا ابادر: طوبی لاصحاب الالویه یوم القیامه یحملونها فیشبقون الناس الی الجنه، الا هم السابقون الی المساجد بالاشجار و غیر الأشجار.

ای ابوذر: خوشا به حال آنان که در روز رستاخیز علمدار و پرچمدارند، پرچم را پیشاپیش مردم گرفته و بر آنان در رفتن به بهشت پیشی می گیرند، آنان همان افرادی هستند که سحرگاهان و سایر اوقات به مسجدها پیشی می جویند.

۳۲. یا ابادر: الصلوه عماد الدین و اللسان اکبر و الصدقه تمحو الخطیئه و اللسان اکبر و الصوم جنه من النار و اللسان اکبر و الجهاد نباهه و اللسان اکبر.

ای ابوذر: نماز ستون دین است، و (آنچه از یاد خدا به) زبان (می آید) بزرگتر است، صدقه گناهان را می زداید، و (گفتاری که با) زبان (به مردم سود بخشد از صدقه) بزرگتر است، روزه سپری است در مقابل آتش و (امساک) زبان بزرگتر است و جهاد شرافت و عزت است و (جهاد با) زبان (مثل امر به معروف و... از نظر شرافت) بزرگتر است.

۳۳. یا ابادر: الدَّرَجَةُ فِي الْجَنَّةِ فَوْقَ الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنَّ الْعَبِيدَ لِيَرْفَعَنَّ بَصِيرَهُ فَيَلْمَعُ لَهُ نُورٌ يَكَادُ يَخْطَفُ بَصِيرَهُ فَيَفْزَعُ لِذَلِكَ فَيَقُولُ: مَا هَذَا؟ فَيُقَالُ: هَذَا نُورٌ أَخِيكَ، فَيَقُولُ: أَخِي فُلَانٌ؟ كُنَّا نَعْمَلُ جَمِيعاً فِي الدُّنْيَا وَ قَدْ فَضَّلَ عَلَيَّ هَكَذَا فَيُقَالُ لَهُ: أَنَّهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْكَ عَمَلًا، ثُمَّ يُجْعَلُ فِي قَلْبِهِ الرِّضَا حَتَّى يَرْضَى.

ای ابوذر: بلندی درجه در بهشت بر بالای درجه دیگر و فاصله آن دو مانند فاصله مابین زمین تا آسمان است، انسان بهشتی به بالا می نگرد، پیش دیدگان وی پرتوی از نور چنان برق می زند که نزدیک است آن نور دیدگان او را نابینا سازد، می پرسد این چه نوری است؟ پاسخ می گویند: این نور برادر تو فلانی است، می گوید فلان برادرم؟ ما همگی در دنیا کارهای خدا پسندگانه می نمودیم چگونه او برتری بر من جسته است. این چنین؟ می گویند او در کردار نیک بر تو برتری داشت، آنگاه رضا و خشنودی در دل او نهاده می شود تا خرسند گردد.

۳۴. یا ابادر: الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ وَ مَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا حَزِينًا، فَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ وَ قَدْ أَوْعَدَهُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَنَّهُ وَارِدُ جَهَنَّمَ وَ لَمْ يَعِدْهُ أَنَّهُ صَادِرٌ عَنْهَا، وَ لَيَلْقَيْنَ أَمْرًا وَ مُصِيبَاتٍ وَ أُمُورًا تَغِيظُهُ وَ لَيُظْلَمَنَّ فَلَا يُنْتَصَرُ، يَبْتَغِي ثَوَابًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَمَا يَزَالُ فِيهَا حَزِينًا حَتَّى يُفَارِقَهَا، فَإِذَا فَارَقَهَا أَفْضَى إِلَى الرَّاحَةِ وَ الْكِرَامَةِ.

ای ابوذر: دنیا برای انسان با ایمان زندان است و برای انسان کافر (بی ایمان) بهشت است، هیچ انسان با ایمان در دنیا شب را جز با اندوه صبح نمی کند، چرا اندوهگین نباشد، با اینکه خدایش (جل ثنائه) خبر داده است که انسان در دوزخ

فروید خواهد آمد ولی بیرون آمدنش را به او، وعده (حتمی) نداده است. (۱) (و دیگر اینکه) با بیماریها و گرفتاریها و پیشامدها و ناگواریهایی حتماً مواجه می گردد و حتماً ستم می بیند پس کسی او را یاری نمی کند، (به علت صبر بر مصیبتها) از خدای متعال طالب ثواب است، و در این جهان اندوهگین است همیشه تا از آن جدا شود و بیرون رود ولی آنگاه که از جهان بیرون شتافت بسوی راحتی و کرامت (خدای مهربان) سرازیر و وارد می گردد.

۳۵. یا ابادر: ما عبد الله على مثل طول الحزن.

ای ابوذر: خدای جهان هیچگاه بمانند درازی اندوه عبادت نشده است (بنده ای که همواره از آتش عذاب خدا ترسان بوده، و برای خدا مدت‌های طولانی در برابر ناملایمات، صبر ورزیده و برای دوری از مقامات معنوی محزون است، از همه فزونتر خدا را بندگی کرده است).

۳۶. یا ابادر: من اوتی من العلم ما لا- یبکیه ل تحقیق ان ینکون قد اوتی علم ما لا ینفعه، لان الله عز وجل نعت العلماء فقال: «ان الذين اوتوا العلم من قبله اذا نئلی علیهم یخزون للذقان سجداً و یقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولاً و یخزون للذقان ینکون و یریدهم خسوعاً». (۲)

ای ابوذر: هر کس را علمی بدهند که او را نگریاند، سزاوار است گفته شود علمی

ص: ۱۸

---

۱- (۱) - اشاره است به آیه شریفه ۷۱ و ۷۲ سوره مریم: (وَ اِنْ مِنْكُمْ... ثُمَّ نُنَجِّي...)

۲- (۲) - سوره اسراء، آیه ۱۰۷-۱۰۹.

بدو داده شده که او را ثمر نمی بخشد، زیرا خداوند عزوجل در قرآن کریم (۱) علما را چنین توصیف فرموده است:

«آنان که پیش از بعثت پیغمبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) یا قبل از نزول قرآن به آنها دانش داده شده هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می شود به حالت سجده به رو می افتند و می گویند پاک است پروردگار ما وعده های او انجام خواهد یافت و آنان به رو می افتند و می گریند و خشوع دلشان بیشتر می گردد.»

۳۷. يَا اِبَادِرُّ: مَنْ اَشِيَتْطَاعَ اَنْ يَيْكِي فَلَيْكَ وَ مَنْ لَمْ يَشِيَتْطِعْ فَلْيَشْعِرْ قَلْبُهُ الْحُزْنَ وَلْيَتْبَاكَ، اِنَّ الْقَلْبَ الْقَاسِيَ بَعِيدٌ مِنَ اللّٰهِ وَ لَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ.

ای ابوذر: هرکس می تواند (از ترس خدای توانا) بگریزد پس باید بگرید و هرکس نمی تواند «لا اقل» دل خود را به اندوه آشنا سازد و به صورت گریه وا دارد. زیرا دل با قساوت از خدا دور است ولی آنان درک این معنی نمی کنند.

۳۸. يَا اِبَادِرُّ: يَقُولُ اللّٰهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى: لَا اَجْمَعُ عَلٰى عَبْدٍ حَوْفَيْنِ وَ لَا اَجْمَعُ لَهُ اَمْنَيْنِ فَاِذَا اَمِنْتَنِيْ فِي الدُّنْيَا اَحْفَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اِذَا خَافَنِيْ فِي الدُّنْيَا اَمَّنْتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ای ابوذر، خدای تبارک و تعالی می فرماید: من بر بنده دو ترس را جمع نمی کنم و دو ایمنی را نیز جمع نمی نمایم، اگر او در این جهان از من ایمن بود (و

ص: ۱۹

هیچ نترسید) در جهان دیگر او را خواهم ترسانید ولی اگر در این جهان از من ترسناک بود روز رستاخیز او را ایمن خواهم ساخت.

۳۹. یا ابادر: لَوْ أَنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ كَعْمَلِ سَبْعِينَ نَبِيًّا لَأَحْتَقَرَهُ وَخَشِيَ أَنْ لَا يَنْجُوَ مِنْ شَرِّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ای ابوذر: اگر مردی به قدر هفتاد پیامبر اعمال نیک داشته باشد (در روز قیامت) آن را ناچیز می شمارد، و می ترسد از شرّ روز قیامت نجات نیابد.

۴۰. یا ابادر: إِنَّ الْعَبْدَ لِيُعْرَضُ عَلَيْهِ ذُنُوبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ: أَمَا أَنِّي كُنْتُ مُشْفِقًا، فَيَغْفَرُ لَهُ.

ای ابوذر: گناهان بنده (با ایمان) در روز قیامت به او ارائه می شود پس می گوید در دنیا من ترسان بودم، در نتیجه گناهانش آمرزیده و بخشیده می گردد.

۴۱. یا ابادر: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الْحَسَنَةَ فَيَتَّكِلُ عَلَيْهَا وَيَعْمَلُ الْمُحَرَّاتِ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهَ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ السَّيِّئَةَ فَيَفْرُقَ مِنْهَا فَيَأْتِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ای ابوذر: مردی کاری نیک انجام می دهد و به اتکال و اعتماد بر آن کار خوب، گناهای کوچک مرتکب می گردد (و در برابر کردار نیک خویش گناه را سهل می انگارد) چنین کسی هنگامی که پیش خدا می رود او بر وی

خشمگین است، مردی نیز گناه و کاربرد مرتکب می گردد ولی از عقوبت آن هراسان است چنین کسی در روز قیامت با خاطر آسوده بر خدای عز و جل وارد می شود.

۴۲. یا ابادر: ان العبد لیذنب الذنب فیدخل به الجنة.

فقلت: و کیف ذلک بابی انت و امی یا رسول الله؟

قال (صلی الله علیه و آله وسلم)

:یکون ذلک الذنب نصب عینه تائباً منه فاراً الى الله عزوجل حتی یدخل الجنة.

ای ابوذر: بنده خدا گناهی می کند و به سبب آن به بهشت می رود.

پس گفتم: یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد چگونه ممکن است؟

فرمود: گناه را نصب العین خود قرار می دهد و همواره از آن توبه و فرار نموده و به خدا پناه می برد تا آنگاه که به بهشت در می آید.

### انسان زیرک و باکیاست کسی است که...

۴۳. یا ابادر: الکیس من ادب نفسه و عمل لما بعد الموت، و العاجز من اتبع نفسه و هواها و تمنى على الله عزوجل الاماني.

ای ابوذر: انسان زیرک و باکیاست کسی است که به تأدیب نفس خویش پردازد و برای زندگی بعد از مرگ دست به کار شود، و انسان ناتوان (که زیرکی ندارد) کسی است که به دنبال نفسش و خواهش های او برود و با آن حال از خدای عز و جل آرزوهایی داشته باشد.

۴۴. یا ابادر: اِنَّ اَوَّلَ شَيْءٍ يُرْفَعُ مِنْ هَذِهِ الْاُمَّةِ الْاَمَانَةُ وَ الْخُشُوعُ حَتَّى لَا يَكَادُ يُرَى خَاشِعٌ.

ای ابوذر: نخستین چیزی که از امت من برداشته می شود (صفت) امانت و خشوع است، تا آنجا که نزدیک است که فردی با خشوع دیده نشود.

۴۵. یا ابادر: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ اَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ اَوْ ذُبَابٍ مَا سَقَى الْكَافِرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ.

ای ابوذر: سوگند به خدایی که جان محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) در دست اوست اگر دنیا پیش خدا به قدر پر پشه یا مگسی ارزش داشت به انسان کافر حتی یک شربت آب از آن (دنیا) نمی داد.

۴۶. یا ابادر: الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ وَ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا اِلَّا مَا ابْتِغِيَ بِهِ وَجْهُ اللَّهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ اَبْغَضُ اِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّنْيَا خَلَقَهَا ثُمَّ اَعْرَضَ عَنْهَا (۱) فَلَمْ يَنْظُرْ اِلَيْهَا وَ لَا يَنْظُرُ اِلَيْهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ اَحَبُّ اِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْاِيْمَانِ بِهِ وَ تَزَكٍّ مَا اَمَرَ بِتَزَكِهِ.

ای ابوذر: دنیا و آنچه در آن است لعنت شده مگر آنچه به وسیله آن تحصیل رضای الهی گردد (۲) و پیش پروردگار تعالی چیزی مبعوض تر از دنیا نیست، آن را

ص: ۲۲

---

۱- (۱) - در مکارم الاخلاق و بحار (ثم عرضها) آمده است.

۲- (۲) - فراهم ساختن اسباب و وسایل آسایش خانواده خود و سایر مردم با ایمان در اطاعت خدای متعال از جمله اعمال خدا پسند است که می توان با آن تحصیل رضای الهی نمود.

بیافرید سپس از آن اعراض فرمود و دیده رحمت از آن تا قیام قیامت ببرید و به سوی آن نظر نخواهد فرمود و هیچ چیزی در پیش او محبوبتر از ایمان به خدا و دوری جستن از محرمات و گناهان نیست.

۴۷. یا اِبادِرُّ: اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالٰى اَوْحٰى اِلٰى اِخٰى عِيسٰى. یا عیسی: لَا تُحِبِّ الدُّنْيَا فَإِنِّي لَسْتُ أَحِبُّهَا، وَ أَحَبُّ الْآخِرَةِ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ.

ای ابوذر: خدای تبارک و تعالی به برادرم عیسی وحی فرمود: ای عیسی دنیا را دوست مدار زیرا من آن را دوست ندارم و آخرت را دوست مدار، زیرا که فقط همانجا خانه بازگشت است.

۴۸. یا اِبادِرُّ: اِنَّ جَبْرِئِلَ اتَانِي بِخَزَائِنِ الدُّنْيَا عَلٰى بَعْلِهِ شَهْبَاءٌ فَقَالَ لِيْ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ خَزَائِنُ الدُّنْيَا وَ لَا يَنْفُصُكَ مِنْ حَظِّكَ عِنْدَ رَبِّكَ فَقُلْتُ حَبِيبِيْ جَبْرِئِلُ لَا حَاجَةَ لِيْ فِيْهَا اِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُ رَبِّيْ وَ اِذَا جُعْتُ سَأَلْتُهُ.

ای ابوذر: همانا جبرئیل گنجهای جهان را بر آستری رنگارنگ پیش من آورد پس گفت به من ای محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) اینها گنجهای دنیاست، (بگیر و بدان) که چیزی از نصیب تو را پیش پروردگارت نخواهد کاست. پس گفتم: حبیب من جبرئیل مرا در آنها نیازی نیست، من هرگاه سیر شدم خدا را سپاس می گویم و هرگاه گرسنه شدم از او سؤال می کنم.

## خدا عزوجل هر گاه خیر کسی را بخواهد

۴۹. یا ابادر: اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ اِذَا ارَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَ زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ.

ای ابوذر: خدا عزوجل هر گاه خیر کسی را بخواهد او را در دین فقیه (و دانا) می سازد و در دنیا زاهد می گرداند و او را به عیب های خویش بینا می سازد.

۵۰. یا ابادر: مَا زَهَّدَ عَبْدٌ فِي الدُّنْيَا اِلَّا اَنْبَتَ (۱) اللّٰهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ اَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا وَ دَائِهَا وَ دَوَائِهَا وَ اَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا اِلَى دَارِ السَّلَامِ.

ای ابوذر: بنده ای در دنیا زهد نورزید مگر اینکه خدا حکمت را در دلش می رویاند (یا در قلب او جایگزین می کند) و زبانش را به آن گویا ساخته و او را به عیب های دنیا، دردها و دواهای آن بینا و آشنا گردانیده و او را سالم از دنیا بسوی بهشت بیرون می برد.

۵۱. یا ابادر: اِذَا رَأَيْتَ اِخْرَجَكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقِي إِلَيْكَ الْحِكْمَةَ

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ اَزْهَدُ النَّاسِ؟

قال (صلى الله عليه وآله وسلم)

:مَنْ لَمْ يَنْسَ الْمَقَابِرَ وَ الْبَلِيَّ وَ تَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا وَ اَثَرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى وَ لَمْ يَعْذَّ غَدًا مِنْ اَيَّامِهِ وَ عَدَّ نَفْسَهُ فِي الْمَوْتَى.

ای ابوذر: آنگاه که دیدی برادر تو در دنیا زهد میورزد و به دنیا بی علاقه است به

ص: ۲۴

سخنان او گوش ده، زیرا او به تو حکمت فرا می خواند.

گفتم: یا رسول الله زاهدترین مردم کیست؟ فرمود: کسی که قبور و پوسیدن اجساد را فراموش نکند و زیادی زینت دنیا را ترک کند و آنچه را باقی می ماند (آخرت) بر آنچه فانی و نابود می شود (دنیا) ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش نشمرده و خود را در میان مردگان به شمار آورد.

۵۲. یا ابادرّ: انّ الله تبارک و تعالی لم یوح الی ان اجمع المال و لکن اوحی الی ان سیبیح بحمید ربک و کُن من الساجدین و اعبد ربک حتی یأتیک الیقین.

ای ابوذر: خداوند تبارک و تعالی به من وحی نفرموده است که مال و ثروت گردآوری کنم بلکه به من وحی فرمود که به پاس نعمتهای پروردگارت او را تسبیح و تقدیس نما و (به من وحی فرمود که) از سجده کنندگان باش و تا آنگاه که مرگ به تو فرارسد او را عبادت کن.

۵۳. یا ابادرّ: انی البس الغلیظ و اجلس علی الارض و العقب اصابعی و ازکب الحمار بغير سرج و ازدف خلفی فممن رغبت عن سنتی فلیس منی.

ای ابوذر: من لباس خشن می پوشم و بر زمین می نشینم و انگشتان خود را (هنگام خوردن طعام) می لیزم و بر الاغ بی زین سوار می شوم و دیگری را در پشت سر خود سوار می کنم پس هرکس از شیوه رفتار من روی بتابد از من نیست.

۵۴. یا ابادرّ: حُب المال و الشرف اذهب لیدین الرجل من ذنبین ضارین فی زرب

الْغَنَمِ فَأَغَارَا فِيهَا حَتَّىٰ أَصْبَحَا فَمَاذَا اتَّقِيَا مِنْهَا.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ الْخَائِفُونَ الْخَاضِعُونَ الْمَتَوَاضِعُونَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا أَهْمُ يَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ؟

قال: لا، وَ لَكِنَّ فُقَرَاءَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّهُمْ يَتَخَطَّوْنَ رِقَابَ النَّاسِ فَيَقُولُ لَهُمْ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ كَمَا أَنْتُمْ حَتَّى تُحَاسِبُوا فَيَقُولُونَ بِمِ نَحَاسِبُ فَوَاللَّهِ مَا مَلَكْنَا فَنَجُورَ وَ نَعْدِلَ وَ لَا أَفِيضَ عَلَيْنَا فَنَقْبِضَ وَ نَبْشُطَ وَ لَكِنَّا عَبْدُنَا رَبَّنَا حَتَّى دَعَانَا فَأَجَبْنَا.

ای ابوذر: دوستی مال و شرف و مقام دنیوی، بر دین مرد، از دو گرگ خونخوار بر گله گوسفند بیشتر صدمه می زند که (شبانه) بر آن هجوم آورند تا چه از گوسفندان تا صبحگاه بجای بگذارند؟!

گفتم: یا رسول الله کسانی که از خدا همی ترسند و خاضع و متواضعند و خدا را زیاد یاد می کنند آیا آنان به دیگران در بهشت سبقت خواهند جست؟

فرمود: نه، بلکه بینوایان مسلمین قدم بر شانه های مردم نهاده و به سوی بهشت روان خواهند شد، آنگاه خزانه داران بهشت می گویند بجای خویش باشید تا درباره شما حساب به عمل آید، پاسخ می دهند بر چه ما را حساب خواهند نمود به خدا قسم ما حکومتی نداشتیم تا جور و ستم بکنیم و (یا) عدل و داد به کار بندیم و ثروتی به ما داده نشده بود که ببخشیم و (یا) بخل ورزیم و لکن ما پروردگار خود را عبادت و بندگی کردیم تا دعوت حق را لیک گفتیم.

۵۵. یا ابادر: اِنَّ الدُّنْيَا مُشْغَلَةٌ لِلْقُلُوبِ وَ الْاَبْدَانِ وَ اِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَائِلُنَا عَمَّا نَعْمُنَا فِي حَالِهِ فَكَيْفَ بِمَا نَعْمُنَا فِي حَرَامِهِ.

ای ابوذر: دنیا دل و جان و تن مردم را به خود مشغول می دارد و به حقیقت که خداوند تبارک و تعالی ما را از نعمتهایی که از حلال به ما ارزانی شده مورد بازجویی قرار خواهد داد تا چه رسد به نعمتهایی که از حرام به دست آمده است.

۵۶. یا ابادر: اِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ اَنْ يَجْعَلَ رِزْقَ مَنْ يُحِبُّنِي الْكِفَافَ وَ اَنْ يُعْطِيَ مَنْ يُبْغِضُنِي كَثْرَةَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ.

ای ابوذر: من از خدا جَلَّ جَلَالُهُ خواسته ام که روزی دوستداران مرا به قدر حاجت قرار دهد و مال و فرزند دشمنان مرا زیاد گرداند.

۵۷. یا ابادر: طُوبَى لِلرَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا اَرْضَ اللَّهِ بَسَاطًا وَ تُرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَائَهَا طَبِيبًا وَ اتَّخَذُوا كِتَابَ اللَّهِ شِعَارًا وَ دُعَاءَهُ دِثَارًا يُقْرَضُونَ الدُّنْيَا قَرْضًا.

ای ابوذر: خوشا به حال کسانی که در دنیا زهد ورزیده و به آخرت دل بستند، زمین خدا را بساط و خاک آن را فرش و آب آن را عطر خویش قرار داده اند و کتاب خدا را همانند پیراهن زیرین به خود نزدیک ساخته اند و دعاء و (خواندن خدا) را به منزله لباس رویی خود گردانیده اند و خود را از دنیا بریده و جدا می سازند.

۵۸. یا ابادر: حَزَتْ الْآخِرَةَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَ حَزَتْ الدُّنْيَا الْمَالُ وَ الْبُنُونُ. (۱)

ص: ۲۷

---

۱- (۱) - اشاره به آیه ۲۰ از سوره (شوری) می باشد. مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَزْتَ الْآخِرَةِ....

ای ابوذر: کشت و زرع آخرت کردار شایسته (عمل صالح) است و کشت و زراعت دنیا مال و فرزندان است.

۵۹. یا اباذَرُّ: اِنَّ رَبِّيَ اَخْبَرَنِي، فَقَالَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا اَدْرَكَ الْعَابِدُونَ دَرَكَ الْبُكَاءِ عِنْدِي وَ اِنِّي لَأَبْنَى لَهُمْ فِي الرَّفِيقِ الْاَعْلَى قَصْرًا لَا يَشْرِكُهُمْ فِيهِ اَحَدٌ.

قَالَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ اَيُّ الْمُؤْمِنِينَ اَكْبَرُ؟

قَالَ: اَكْثَرُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِكْرًا وَ اَحْسَنُهُمْ لَهُ اسْتِعْدَادًا.

ای ابوذر: پروردگار من به من چنین اعلام فرموده است: به عزت و جلالم سوگند عبادتگزاران به قدر آن پاداش که در نزد من برای گریه (از ترس خدا) تعیین شده است دریافت نخواهند داشت و من برای گریه کننده در عالی ترین مراتب بهشت قصری بپا خواهم داشت که دیگری در آن شریک نشود، گفتم: یا رسول الله، کدام یک از مؤمنان زیرک تر است؟

فرمود: آن کس که از همه بیشتر به یاد مرگ باشد و خود را بهتر از همه به استقبال آن آماده سازد.

### هرگاه نور در دل تابید دل گشاده و فراخ می گردد

۶۰. یا اباذَرُّ: اِذَا دَخَلَ النُّورُ الْقَلْبَ انْفَسَحَ الْقَلْبُ وَ اسْتَوْسَعَ قُلْتُ: فَمَا عَلَامَةُ ذَلِكَ؟ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: الْاِناِبَةُ اِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ التَّجَافِي عَنِ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْاِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نَزْوِلِهِ.

ای ابوذر: هرگاه نور در دل تابید دل گشاده و فراخ می گردد، گفتم: یا رسول الله پدرم و مادرم فدای تو باد نشانه آن چیست؟

فرمود: علامت آن میل بسوی آخرت و کنار رفتن از فریبکاری دنیا و آمادگی به مرگ پیش از رسیدن آن است.

۶۱. یا ابادرُّ: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تَرَى النَّاسَ أَنَّكَ تَخْشَى اللَّهَ فَيُكْرِ مُوَكَّ وَ قَلْبِكَ فَاجِرٌ.

ای ابوذر: از خدا بترس و مردم تو را نینند که تو از خدای (بزرگ) می ترسی تا تو را به سبب آن گرامی دارند در صورتی که دل تو به فکر گناه است.

۶۲. یا ابادرُّ: لِيُكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نَيْبٌ (صَالِحَةٌ) فِي النَّوْمِ وَالْأَكْلِ.

ای ابوذر: در هر چیز (حتی) در خوردن و خوابیدن دارای نیت نیک باش.

۶۳. یا ابادرُّ: لِيُعْظَمَ جَلَالُ اللَّهِ فِي صَدْرِكَ فَلَا تَذْكُرُهُ كَمَا يَذْكُرُهُ الْجَاهِلُ عِنْدَ الْكَلْبِ اللَّهُمَّ اخْزِهِ وَ عِنْدَ الْخِزْيَرِ اللَّهُمَّ اخْزِهِ.

ای ابوذر: باید جلال (و عظمت) پروردگار عالم در دل تو عظیم و بزرگ باشد و او را سبک یاد نکنی چنانچه مردمان جاهل و نادان هنگامی که سگ و خوک را می بیند می گویند خدایا او را خوار کن.

۶۴. یا ابادرُّ: إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً قِيَامًا مِنْ خَيْفَتِهِ مَا رَفَعُوا رُؤُسَهُمْ حَتَّى يُنْفَخُ فِي الصُّورِ النَّفْحَةُ الْآخِرَةُ فَيَقُولُونَ جَمِيعًا:

سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ مَا عَبَدْنَاكَ كَمَا يَتَّبِعِي لَكَ أَنْ تُعْبَدَ.

وَ لَوْ كَانَ لِرَجُلٍ عَمَلٌ سَبْعِينَ نَبِيًّا لَأَسْتَقَلَّ عَمَلُهُ مِنْ شِدَّةِ مَا يَرَى يَوْمَئِذٍ، وَ لَوْ أَنَّ دَلْوًا صَبَّ مِنْ غَسِيلِينَ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ لَعَلَّتْ مِنْهُ جَمَاجِمٌ مَنْ فِي مَغْرِبِهَا، وَ لَوْ زَفَرَتْ جَهَنَّمُ زَفْرَةً لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا خَرَجَ جَائِيًّا لِرُكْبَتَيْهِ يَقُولُ: نَفْسِي نَفْسِي حَتَّى يَنْسِي إِبْرَاهِيمَ إِسْحَاقَ يَقُولُ يَا رَبِّ أَنَا خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ فَلَا تَنْسِنِي.

ای ابوذر: خدا فرشتگانی دارد که از ترس او همواره برپا ایستاده اند سرهای خود را به زیر انداخته اند تا روز قیامت آنگاه همگی می گویند:

منزه و پاکی تو، و سپاس تو راست، ما تو را آن گونه که سزاوار تست بندگی نکردیم.

و در آن روز اگر مردی دارای عمل هفتاد پیامبر باشد آن را از شدت آنچه در آن روز می بیند کم می شمارد و اگر سطلی از چرک و ریم دوزخ در مشرق زمین بریزند مغز سر کسانی که در مغرب زمینند بجوش می آید و اگر جهنم بخروش آید هیچ ملک مقرب و پیغمبر مرسل نمی ماند مگر به زانو در می آید و می گوید: پروردگارا نجاتم را می خواهی، نجاتم را، حتی ابراهیم (علیه السلام) اسحاق فرزند خود را از یاد می برد و می گوید پروردگارا من خلیل تو ابراهیم هستم پس مرا فراموش منما.

۶۵. يَا أَبَادْرُ: لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطْلَعَتْ مِنْ سَمَاءِ الدُّنْيَا فِي لَيْلِهِ ظُلْمَاءٌ لِأَضَاءِ لَهَا الْأَرْضُ أَفْضَلَ مِمَّا يُضِيئُهَا الْقَمَرُ لَيْلَهُ الْبَدْرُ وَ لَوْ جَدَّ رِيحٌ نَشْرَهَا جَمِيعَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَوْ أَنَّ ثَوْبًا مِنْ ثِيَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ نُشِرَ الْيَوْمَ فِي الدُّنْيَا لَصَيَّقَ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ مَا حَمَلَتْهُ أَبْصَارُهُمْ.

ای ابوذر: اگر زنی از زنان اهل بهشت از آسمان دنیا سر خویش را در میان شب تاری نمایان سازد، زمین از تابش آن بیشتر از تابش ماه شب چهارده روشن گردد و عطری که از (پریشان کردن زلف) او بلند شود به مشام تمامی اهل زمین برسد و اگر یکی از لباسهای اهل بهشت، امروز در دنیا گشوده شود هر کس در آن بنگرد از هوش برود و دیدگان مردم تاب دیدن آن را نیاورد.

۶۶. يَا أَبَاذَرٍّ: اخْفِضْ صَوْتَكَ عِنْدَ الْجَنَائِزِ وَ عِنْدَ الْقِتَالِ وَ عِنْدَ الْقُرْآنِ.

ای ابوذر: آواز (صدای) خود را نزد جنازه ها و هنگام جنگ (با دشمنان دین) و هنگام تلاوت قرآن آهسته ساز.

۶۷. يَا أَبَاذَرٍّ: إِذَا تَبَعْتَ جَنَازَةً فَلْيُكِنِّ عَمَلِكَ فِيهَا التَّفَكُّرَ وَ الْخُشُوعَ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَاحِقٌ بِهِ.

ای ابوذر: هنگامی که دنبال جنازه می روی کار تو در آن حال تفکر و خشوع باشد و بدان که تو نیز به او ملحق خواهی شد.

۶۸. يَا أَبَاذَرٍّ: اعْلَمْ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ إِذَا فَسِدَ فَالْمِلْحُ دَوَاؤُهُ وَ إِذَا فَسِدَ الْمِلْحُ فَلَيْسَ لَهُ دَوَاءٌ وَ اعْلَمْ أَنَّ فِيكُمْ خُلُقَيْنِ الضُّحِكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَ الْكَسَلُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ.

ای ابوذر: بدان که برای جلوگیری از فساد هر چیز، نمک دوی آن است ولی هرگاه نمک فاسد گردد دوی برای آن نیست و بدان که در بین شما دو صفت

ناپسند است یکی خنده بی تعجب و دیگری کسالت بدون بی خوابی کشیدن. (یعنی در عبادت خداوند عالم در آخر شب)

۶۹. یا ابادر: رَكَعَتَانِ مُقْتَصِدَتَانِ فِي تَفَكُّرٍ خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ وَالْقَلْبُ سَاهٍ.

ای ابوذر: دو رکعت نماز میانه (غیر طولانی که زیاد سبک هم نباشد) با توجه و تفکر انجام یابد بهتر از یک شب به عبادت ایستادن است در حالی که قلب از اندیشه عبادت غفلت داشته باشد.

۷۰. یا ابادر: الْحَقُّ ثَقِيلٌ مُرٌّ وَالْبَاطِلُ خَفِيفٌ حُلْوٌ وَ رَبِّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُزْنَ طَوِيلًا.

ای ابوذر: حق سنگین و تلخ است و باطل سبک و شیرین است و چه بسا هوسرانی یک ساعت (در دنیا)، باعث حزن و غم طولانی (در آخرت) می گردد (و چه بسا در دنیا هم)

۷۱. یا ابادر: لَا يَفْقَهُ الرَّجُلُ كُلَّ الْفِقْهِ حَتَّى يَرَى النَّاسَ فِي جَنبِ اللَّهِ تَعَالَى امثالَ الْأَبَاعِرِ ثُمَّ يَرْجِعَ إِلَى نَفْسِهِ فَيَكُونُ هُوَ أَحَقَرَ حَاقِرٍ لَهَا.

ای ابوذر: مرد، فقیه تمام فقیه نمی شود تا مردم را در جنب خدای تعالی بمانند شتران بی ادراک ببیند، سپس به خود نگریسته و خود را کمتر از آنان بیابد.

۷۲. یا ابادر: لا تُصِيبُ حَقِيقَةَ الْاِيْمَانِ حَتَّى تَرَى النَّاسَ كُلَّهُمْ حَقَمَى فِي دِيْنِهِمْ عُقْلَاءَ فِي دُنْيَاهُمْ.

ای ابوذر: تو به حقیقت ایمان نمی رسی تا همه مردم را در دین خود ابله و در دنیای خود عاقل بینی. (۱)

۷۳. یا ابادر: حَاسِبِ نَفْسِكَ قَبِيْلَ اَنْ تُحَاسِبَ فَهُوَ اَهْوَنُ لِحِسَابِكَ غَدًا وَ زِنْ نَفْسَكَ قَبْلَ اَنْ تُوزَنَ وَ تَجْهَزْ لِلْعَرْضِ الْاَكْبَرِ يَوْمَ تُعْرَضُ لَا تَخْفَى عَلَيَّ اللهُ مِنْكَ خَافِيَةً.

ای ابوذر، تو خود به حساب خودت پیش از آنکه تو را به پای محاسبه آرند برس تا فردا محاسبه بر تو آسان گردد و خویشتن را بسنج پیش از آنکه تو را بسنجند و برای عرضه بزرگ به پیشگاه خدا در روز رستاخیز آمادگی پیدا کن که هیچ چیز از تو بر خدا پنهان نمی ماند.

۷۴. یا ابادر: اسْتَحْيِ مِنَ اللهِ فَاِنِّي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا اِزَالُ حِيْنَ اَذْهَبُ اِلَى الْغَائِطِ مُتَقَنًّا بِتُؤْبَى اسْتَحْيِي مِنَ الْمَلَكِيْنَ الَّذِيْنَ مَعِيَ.

ای ابوذر: از خدا حیا کن به خدایی که جانم در کف اختیار اوست هر وقت برای تطهیر می روم سر و روی خودم را با لباسم می پوشانم و از آن دو فرشته که با من همراهند حیا می کنم.

ص: ۳۳

---

۱- (۱) - مرحوم علامه مجلسی در ذیل این کلام فرموده است: که مراد از همه مردم در اینجا غالب مردم است یا مراد از (ناس) در (تَرَى النَّاسَ) مردم اهل دنیا است.

## آیا دوست داری که به بهشت در آیی؟

۷۵. یا اباذر: اتَّحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ، فِدَاكَ ابِي وَ أُمِّي.

قَالَ: فَأَقْصِرْ مِنَ الْأَمَلِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نَصَبَ عَيْنَيْكَ، وَ اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ.

قَالَ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كُنَّا نَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ.

قَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ الْحَيَاءُ وَ لَكِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ اللَّهِ أَنْ لَا تَنْسِيَ الْمَقَابِرَ وَ الْبَلَى وَ تَحْفَظَ الْجَوْفَ وَ مَا وَعَى وَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ مَنْ أَرَادَ كَرَامَةَ الْآخِرَةِ فَلْيَدْعُ زِينَةَ الدُّنْيَا فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ أَصَبْتَ وِلايَةَ اللَّهِ.

ای ابوذر: آیا دوست داری که به بهشت در آیی؟

گفتم: آری پدر و مادرم به فدایت.

فرمود: آرزو را کوتاه کن و مرگ را نصب العین خویش گردان و از خدا چنانچه لازم است حیا کن.

گفتم: یا رسول الله همه ما از خدا حیا می کنیم؟

فرمود: حیا از خدا چنان نیست (که به نظر می رسد) حیا از خدا آن است که گورها و پوسیدن در آن را فراموش نکنی و جوف (یعنی شکم و عورت) و هرچه در آن است و سر و آنچه در آن است (یعنی اعضاء داخلی و چشم و گوش و زبان را) کنترل کنی (از حرام و گناه نگهداری)، هرکس کرامت و بزرگی آخرت را بخواهد باید زینت دنیا را ترک نماید، پس آنگاه که چنین باشی (یا بشوی) به مقام دوستی خدار سیده ای.

۷۶. یا ابادرُّ: یَکْفِی مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ مَا یَکْفِی الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ.

ای ابوذر: کافی است از دعا با کردارهای شایسته، آن مقدار که از نمک برای طعام کافی است.

۷۷. یا ابادرُّ: مَثَلُ الَّذِی یَدْعُو بِغَیْرِ عَمَلٍ کَمَثَلِ الَّذِی یَزِی بَعِیْرٍ وَ تَر.

ای ابوذر: مثلی کسی که بدون عمل (شایسته) دعا می کند مانند کسی که بدون زه کمان را می کشد برای تیراندازی.

۷۸. یا ابادرُّ: اِنَّ اللّٰهَ یُصَلِّحُ بَصَلِحِ الْعَبْدِ وُلْدَهُ وَ وُلْدَ وُلْدِهِ وَ یَحْفَظُهُ فِی دُوْرَتِهِ وَ الدُّوْرَ حَوْلَهُ مَا دَامَ فِیْهِمْ.

ای ابوذر: خداوند با صالح بودن شخصی اصلاح می کند فرزندان و فرزندان فرزندان او را و حرمت او را درباره خانه و خانه های مجاورش مادامی که در میان آنان است نگهداری می کند.

۷۹. یا ابادرُّ: اِنَّ رَبِّکَ عَزَّوَجَلَّ یُبَاهِی الْمَلَائِکَةَ بِثَلَاثَةِ نَفَرٍ رَجُلٌ فِی اَرْضٍ قَفَرٌ فِیْؤَذِّنُ ثُمَّ یُتِیْمٌ ثُمَّ یُصَلِّی، فِیَقُوْلُ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ اَنْظُرُوْا اِلَی عَبْدِی یُصَلِّی وَ لَا یَرَاهُ اَحَدٌ غَیْرِی فِیَنْزِلُ سَیْبَعُوْنَ الْاَفْ مَلْکَ یُصَلِّی لُوْنَ وَ رَاَهُ وَ یَسْتَتْفِرُوْنَ لَهٗ اِلَی الْعَدِ مِنْ ذَلِکَ الْیَوْمِ وَ رَجُلٌ قَامَ مِنَ اللَّیْلِ فَصَلَّی وَ حَدَّهُ فَسَجَدَ وَ نَامَ وَ هُوَ سَاجِدٌ، فِیَقُوْلُ تَعَالٰی: اَنْظُرُوْا اِلَی عَبْدِی، رُوْحُهُ عِنْدِی وَ جَسَدُهُ سَاجِدٌ

وَ رَجُلٌ فِي زَخْفٍ يَفِرُّ أَصْحَابُهُ وَ يَثْبُتُ هُوَ يُقَاتِلُ حَتَّى يُقْتَلَ.

ای ابوذر: پروردگار عزیز و جلیل تو با سه شخص بر فرشتگان مباحات می کند:

۱ - مردی که در میان بیابان اذان و بعد اقامه بگوید و بعد نماز بپا دارد پس پروردگارت به فرشتگان می فرماید به بنده ام بنگرید نماز می خواند در حالی که کسی غیر از من او را نمی بیند آن گاه هفتاد هزار ملک نازل می گردد و دنبال او نماز می گذارند و تا فردای آن روز برای او (از خدا) آمرزش می خواهند، ۲ - مردی که پاسی از شب از جا بلند شود و به تنهایی نماز بخواند پس سجده کند و در حال سجده به خواب رود خدای تعالی می فرماید بنگرید به بنده من که روح او پیش من و تنش در سجده است، ۳ - مردی که در میدان جهاد باشد همراهانش فرار کنند و او ثابت قدم به جهاد پردازد تا کشته شود.

۸۰. يَا أَبَا ذَرٍّ: مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْعَلُ جَبْهَتَهُ فِي بُقْعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا شَهِدَتْ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَا مِنْ مَنْزِلٍ يُنَزَّلُ قَوْمٌ إِلَّا وَاصِبٍ ذَلِكَ الْمَنْزِلُ يُصَلِّي عَلَيْهِمْ أَوْ يَلْعَنُهُمْ.

ای ابوذر: هیچ مردی پیشانی خود را به نقطه ای از نقاط زمین نمی گذارد مگر این که آن نقطه زمین در روز قیامت بر آن سجده به نفع او شهادت دهد و منزلی نیست که گروهی در آن فرود آیند مگر سحرگاهان همان منزل بر آنان صلوات می فرستد یا لعنتشان می کند.

۸۱. یا ابادِرُّ: ما مِنْ صَبَاحٍ وَ لاَ رَواحٍ الاَّ وَ بَقاعُ الارضِ يُنادى بَعْضُها بَعْضاً: يا جاره هل مَرَّبِكَ ذاكِرُاللهِ تعالى؟ او عبد وضع جبهته عليك ساجدا لله؟ فمن قائله لا و من قائله نعم، فاذا قالت نعم اهترت و ابتهجت و تری ان لها الفضل على جارتها.

ای ابوذر: هیچ صبح و شام نیست مگر نقاط زمین همدیگر را ندا می کنند ای همسایه من آیا بر تو گذشت کسی که ذکر و یاد خدای متعال را نماید، یا بنده ای که پیشانی خویش برای سجده به خدا بر تو نهد برخی گویند آری و برخی گویند نه، هر کدام که آری بگویند بر خود می بالد و شاد می گردد و خود را بر دیگری برتر می بیند.

۸۲. یا ابادِرُّ: ان الله جَلَّ ثَناءُهُ لَمَّا خَلَقَ الارضَ وَ خَلَقَ ما فيها مِنَ الشَّجَرِ لَمْ تُكُنْ في الارضِ شَجَرَةً يَأْتيها بُنُوادِمُ الاَّ اصابوا منها مَنفَعَةً فَلَم تَزَلِ الارضُ وَ الشَّجَرُ كَذَلِكَ حَتَّى تَكَلَّمَ بَنى اِدمَ بِالكَلِمَةِ العَظيمةِ قَوْلِهِمْ: «اتَّخَذَ اللهُ وَلِداً» فَلَمَّ ا قالوها اقشَعَرَّتِ الارضُ وَ ذَهَبَتْ مَنفَعَةُ الاشجارِ.

ای ابوذر: آنگاه که خدا جلّ ثنائه زمین و درختانی که در آن است بیافرید به هر درختی که فرزندان آدم می رسیدند منتفع می گشتند و زمین و درختان همین گونه بودند، تا آنگاه که گناهکاران فرزندان آدم به آن کلمه (نادرست) بزرگ تکلم کردند و به خدا نسبت پدر و فرزندی دادند چون آن سخن بگفتند زمین بر خود بلرزید و نفع درختان از میان رفت

۸۳. یا ابادر: اِنَّ الْاَرْضَ لَتَبْكِي عَلٰی الْمُؤْمِنِ اِذَا مَاتَ اَرْبَعِيْنَ صَبَاحًا.

ای ابوذر: همانا که زمین، بر مؤمن، تا چهل روز بعد از موت او می گرید.

۸۴. یا ابادر: اِذَا كَانَ الْعَبْدُ فِيْ اَرْضٍ فَفَرَّقَتْوَضًا اَوْ تَيْمَمَ ثُمَّ اَذَّنَ وَاَقَامَ وَصَلَّى اَمْرًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ الْمَلَائِكَةُ فَصَيُّوْا خَلْفَهُ صَيِّفًا لَا يُرَى طَرْفَاهُ يَرْكَعُوْنَ بِرُكُوعِهِ وَ يَسْجُدُوْنَ بِسُجُوْدِهِ وَ يُؤْمِنُوْنَ عَلٰی دُعَائِهِ.

ای ابوذر: هرگاه بنده ای در بیابانی تنها باشد پس وضو بسازد و یا تیمم کند (اگر آب نباشد) سپس اذان و اقامه بگوید و نماز بخواند خدای عزیز و جلیل فرشتگان را امر کند که پشت سر او صفی تشکیل دهند که دو طرف آن دیده نشود و به رکوع او رکوع و به سجودش سجده نمایند و به دعای او آمین گویند.

۸۵. یا ابادر: مَنْ اَقَامَ وَ لَمْ يُؤْذَنْ لَمْ يُصَلِّ مَعَهُ اِلَّا مَلَكَاةُ اللّٰذَانِ مَعَهُ.

ای ابوذر: هرکس برای نماز، اقامه بگوید و اذان نگوید با او جز آن دو ملک که با وی هستند نماز نمی خوانند.

۸۶. یا ابادر: مَا مِنْ شَابٍّ يَدْعُ لِلّٰهِ الدُّنْيَا وَ لَهَاوَهَا وَ اَهْرَمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللّٰهِ اِلَّا اَعْطَاهُ اللّٰهُ اَجْرًا ثِنْتَيْنِ وَ سَبْعِيْنَ صَدِيْقًا.

ای ابوذر: هر جوانی که برای خدا دنیا و لهوها و اهرم شبابیه فی طاعه الله الا اعطاه الله اجر اثنتين و سبعين صديقاً.

اطاعت خدا به پیری رساند خدا هم به او اجر و ثواب هفتاد و دو صدیق عطا فرماید.

۸۷. یا اِبادِرُّ: الذَّاكِرُ فِي الْغَافِلِيْنَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْفَارِيْنَ.

ای ابوذری: کسی که در میان غافلان خدا را یاد کند مانند کسی می باشد که در میان فرارکنندگان، جهاد کند.

### همنشین نیکو بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد

۸۸. یا اِبادِرُّ: الْجَلِيْسُ الصَّالِحِ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ وَالْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيْسِ السَّوِّءِ وَ اِمْلَاءُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ السُّكُوْتِ وَ السُّكُوْتُ خَيْرٌ مِنَ اِمْلَاءِ الشَّرِّ.

ای ابوذری: همنشین نیکو بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد است و بیان خیر بهتر از سکوت و سکوت بهتر از بیان و گفتار شر است.

۸۹. یا اِبادِرُّ: لَا تُصَاحِبِ الْاِمْمُوْمِنًا وَلَا يَأْكُلْ طَعَامَكَ اِلَّا تَقِيًّا وَلَا تَأْكُلْ طَعَامَ الْفَاسِقِيْنَ، يَا اِبادِرُّ: اطْعِمِ طَعَامَكَ مَنْ تُحِبُّهُ فِي اللّٰهِ وَ كُلِّ طَعَامٍ مَنْ يُحِبُّكَ فِي اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

ای ابوذری: همنشینی مکن جز با افراد با ایمان و طعام تو را جز شخص پرهیزکار نخورد، تو نیز طعام افراد فاسق را نخور. ای ابوذری: به کسی طعام خود را بخوران که در راه خدا او را دوست می داری تو نیز طعام کسی را بخور که تو را در راه خدای عزوجل دوست می دارد.

۹۰. یا ابادر: اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ فَلَيَّتِقِ اللّٰهَ امْرُءٌ وَلَيَعْلَمَ مَا يَقُولُ.

ای ابوذر: خداوند عزوجل نزد زبان هر گوینده ای است، پس باید سخن گو از خدا بترسد و باید بداند چه می گوید.

۹۱. یا ابادر: اتُّرِكَ فُضُولَ الْكَلَامِ وَ حَسْبُكَ مِنَ الْكَلَامِ مَا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ.

ای ابوذر: از گفتن سخنان زائد و لغو خودداری کن، تو را از سخن همان بس که رفع احتیاجت را بنماید.

۹۲. یا ابادر: كَفَى بِالْمَرْءِ كَذْبًا اَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ.

ای ابوذر: در دروغگو بودن کافی است که شخص هر چه می شنود نقل نماید.

۹۳. یا ابادر: مَا مِنْ شَيْءٍ اَوْ اَحَقُّ بِطُولِ السَّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

ای ابوذر: برای زندان طولانی هیچ چیز سزاوارتر از زبان نیست.

۹۴. یا ابادر: مِنْ اَجَلَالِ اللّٰهِ تَعَالَى اَكْرَامُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ وَ اَكْرَامُ حَمَلَةِ الْقُرْآنِ الْعَامِلِينَ وَ اَكْرَامُ السُّلْطَانِ الْمُقْسِطِ.

ای ابوذر: از (مصادیق) بزرگداشت و تعظیم خدای تبارک و تعالی: احترام به

پیرمرد ریش سفید مسلمان و احترام به حاملان قرآن که بر طبق دستورات آن رفتار می نمایند و احترام به سلطان دادگر است.

۹۵. یا ابادِرْ: ما عَمِلَ مَنْ لَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ، یا ابادِرْ لا تَكُنْ عَيَاباً وَ لا مَدَاحاً وَ لا طَعَاناً وَ لا مُمَارِياً.

ای ابوذر: کسی که زبانش را (از بدی) نگهداری نکند، عمل (خیری و خوبی) برای او نیست، ای ابوذر: عیب جو و ثناخوان و طعنه زن و ستیزه جو مباش.

۹۶. یا ابادِرْ: لا يَزَالُ الْعَبْدُ يَزِدُّ مِنْ اللَّهِ بُعْدًا مَا سَاءَ خُلُقُهُ.

ای ابوذر: مادام که بنده ای سوء خلق دارد. (بداخلاقی می کند) از خدا دورتر می شود.

۹۷. یا ابادِرْ: الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ خُطُوَةٍ تَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ.

ای ابوذر: سخن پاک (از گناه و بدی) صدقه است و هر قدم که به سوی نماز (جماعت و مسجد) بر میداری صدقه است (برای خداست و ثواب صدقه دارد).

۹۸. یا ابادِرْ: مَنْ اجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ احْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ الْجَنَّةَ.

فَقُلْتُ: يَا أَبَى أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ؟

قال: لا تُرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ وَ لا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَ لا يُشْتَرَى فِيهَا وَ لا يُبَاعُ وَ ائْتُرِكِ اللَّعْوَ ما دُمْتَ فِيهَا فَإِنَّ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُو مَنْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ.

ای ابوذر: هر کس دعوت کننده به سوی خدا (کسی که اذان یا اقامه می گوید) را لئیک گوید و دعوتش را اجابت کند و آباد ساختن مسجدهای خدا را به نیکی انجام دهد پاداش او از ناحیه خدا بهشت است.

گفتم: یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد چگونه مسجدهای خدا را آباد سازیم؟

فرمود: (آبادانی مسجد به آن است که) صداها (به گفتگو) در آنها بلند نشود و در آنها از کارهای باطل و از بیهوده کاری خودداری شود و خرید و فروش در آنها انجام نگیرد و از لغو، تا در مسجد هستی پرهیز و الا در روز رستاخیز جز خودت را سرزنش منما.

۹۹. يا اباذرُّ: انَّ اللهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ ما دُمْتَ جالِساً في المَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ في الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ تُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَناتٍ وَ تُمَحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئاتٍ.

ای ابوذر: خدای تبارک و تعالی تا تو در مسجد هستی به تو به شماره نفسهایت، درجه در بهشت عطا خواهد فرمود و فرشتگان بر تو صلوات می فرستند و به هر نفس تو در مسجد ده حسنه برایت نوشته می شود و ده سیئه از تو محو می گردد.

۱۰۰. یا ابادر: اتعلم فی ای شیء انزلت هذه الاية: اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون. (۱)

قلت: لا، فداک ابی و امی.

قال: فی انتظار الصلوه خلف الصلوه.

یا ابادر: اسبغ الوضوء فی المکاره من الکفارات و کثره الاختلاف الی المساجد فذالکم الرباط.

ای ابوذر: آیا میدانی که این آیه «اصبروا و صابروا و رابطوا...» در چه مورد نازل شده است.

گفتم: نه، پدر و مادرم فدای تو باد، فرمود: درباره انتظار بردن (اول وقت) نماز است پس از نماز (دیگر).

ای ابوذر: وضو را به طور کامل ساختن در ناگواریها (مانند سردی هوا) از کفارات گناهان است و زیاده و بسیار به مسجدها رفتن همین ها رباط است (که در آیه ای که گفته شد به آن امر شده است).

۱۰۱. یا ابادر: یقول الله تبارک و تعالی: ان احب العباد الی المتحابون بحلالی (۲) (من اجلی) المتعلقه قلوبهم بالمساجد و المستغفرون بالاسحار اولیک اذا اردت باهل الارض عقوبه ذکرتهم فصرفت العقوبه عنهم.

ص: ۴۳

۱- (۱) - سوره آل عمران، آیه ۲۰۰. یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا... ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر مشکلات و هوسها) صبر و استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از (معصیت و عذاب) خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.

۲- (۲) - لفظ (بحلالی) فقط در مجموعه ورام است و احتمالاً غلط می باشد.

ای ابوذر: خدای بزرگ و بلند مرتبه می فرماید که محبوب ترین بندگان پیش من کسانی هستند که (با حلال من) یا از جهت من (بخاطر من) با یکدیگر محبت و دوستی می نمایند و دل‌های آنان با مساجد پیوند دارد و در سحرگاهان به استغفار می پردازند، آنان کسانی هستند که اگر بخواهم به اهل زمین عقوبتی متوجه سازم به خاطر آنان عقوبت را از ایشان باز می دارم.

۱۰۲. یا اباذَرُّ: كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعَوٌ إِلَّا ثَلَاثَةٌ: قَرَاءَةُ مُصَلٍّ، أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ، أَوْ سَائِلٌ عَنِّ عِلْمٍ.

ای ابوذر: هرگونه نشستن در مسجد لغو و بی فایده است مگر در سه حال: یا در حال نماز مشغول قرائت قرآن باشد، یا به یاد خدا ذکر بگوید، یا به آموختن دانش (دین) اشتغال ورزد و بپرسد.

۱۰۳. یا اباذَرُّ: كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى اشَدَّ اهْتِمَاماً مِنْكَ بِالْعَمَلِ فَإِنَّهُ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ بِالتَّقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ عَمَلٌ يُتَقَبَّلُ؟! يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ «إِنَّمَا يُتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

ای ابوذر: برای مقرون گشتن عمل به تقوی بیشتر از اصل آن عمل اهتمام کن زیرا عمل با تقوی کم نیست، چگونه عملی که مورد قبول در گاه خدا باشد کم شمرده می شود، خدای عز و جل می فرماید: «عمل را پروردگار از پرهیزکاران فقط، می پذیرد.»

۱۰۴. یا ابادر: لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يُحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسِبِهِ الشَّرِيكَ شَرِيكُهُ، فَيَعْلَمَ مِنْ أَيْنَ مَطْعَمُهُ وَ مِنْ أَيْنَ مُشْرَبُهُ وَ مِنْ أَيْنَ مَلْبَسُهُ؟ اِمِنْ حِلِّ ذَلِكْ اِمِنْ حَرَامٍ. یا ابادر: مَنْ لَمْ يُبَالِ مِنْ أَيْنَ اِكْتَسَبَ الْمَالَ لَمْ يُبَالِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَيْنَ اِدْخَلَهُ النَّارَ.

ای ابوذر: مرد از پرهیزکاران به شمار نمی آید تا خود را، سخت تر از محاسبه شخص درباره شریک خود مورد محاسبه قرار دهد پس باید بداند خوراکش و آنچه می نوشد و آنچه می پوشد از چه راهی تهیه شده است، از حلال است یا از حرام. ای ابوذر: هر آنکس که ملاحظه نمی کند که کسب مال او از کجاست (و از حرام پروا نداشته باشد)، خدا نیز درباره وی ملاحظه نمی نماید که از کجا او را به آتش وارد سازد.

۱۰۵. یا ابادر: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ اَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ.

ای ابوذر: هر کس دوست می دارد گرامی ترین مردم (در نزد خدا) باشد پس باید از خدای عزوجل بترسد. (و تقوای او را رعایت کند)

۱۰۶. یا ابادر: اِنَّ اِحْبَابَكُمْ اِلَى اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ اَكْثَرُكُمْ ذِكْرًا لَهُ، وَ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اِتِّفَاقُكُمْ لَهُ، وَ اَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ اَشَدُّكُمْ لَهُ خَوْفًا.

ای ابوذر: محبوب ترین شما پیش خدای جل ثنائه کسی است که بیشتر به یاد او باشد و عزیز و گرامی ترین شما پیش خدا پرهیزکارترین شماست برای او، و نجات یابنده ترین شما از عذاب خدا کسی است که بیشتر از او بترسد.

۱۰۷. یا ابادرّ: اِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَنْتَقِي مِنْهُ، خَوْفًا مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبْهَةِ.

ای ابوذر: پرهیزکاران کسانی هستند که از چیزی که از آن پرهیز لازم نیست (و حلال است) اجتناب می کنند از ترس آنکه مبدا در شبهه داخل شوند.

۱۰۸. یا ابادرّ: مَنْ اطَاعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ وَ اِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ وَ تِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ.

ای ابوذر: هر کس که در اطاعت خدای عزوجل باشد ذکر خدا کرده (حقیقتاً خدا را یاد کرده است) گرچه نماز و روزه (مستحبی) اش اندک باشد و کمتر قرآن بخواند.

۱۰۹. یا ابادرّ: اضِلُّ الدِّينِ الْوَرَعُ وَ رَأْسُهُ الطَّاعَةُ.

ای ابوذر: ریشه دین پرهیزکاری از حرام و گناه است و سر دین طاعت خداست.

۱۱۰. یا ابادرّ: كُنْ وَ رِعاً تَكُنْ عَبْدَ النَّاسِ وَ خَيْرُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ.

ای ابوذر: پرهیزکار و با ورع باش تا عابدترین مردم باشی و بهترین بخش دین شما پرهیزکاری و با ورع بودن است.

۱۱۱. یا ابادرّ: فَضْلُ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ اعْلَمْ اَنَّكُمْ لَوْصَلَيْتُمْ حَتَّى

تَكُونُوا كَالْحَنَایَا وَ صُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأوتَارِ مَا یَنْفَعُكُمْ ذَالِكُ إِلَّا بَوْرَعٌ.

ای ابوذر: فضیلت علم از فضیلت عبادت بهتر است و بدان که شماها اگر آنقدر به نماز بایستید که مانند کمان خمیده شوید و آنقدر روزه بگیرید که مانند زه کمان لاغر شوید به شما سودی نمی رسد جز با پرهیزکاری و ورع.

۱۱۲. یا ابادرُّ: اِنَّ اَهْلَ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ فِی الدُّنْیَا هُمُ اَوْلِیَاءُ اللّٰهِ حَقًّا.

ای ابوذر: آنان که اهل پرهیزکاری (ورع) و زهد در دنیا هستند حقا اولیاء خدا هستند.

### هرکس در روز قیامت سه چیز همراه نداشته باشد زیانکار است

۱۱۳. یا ابادرُّ: مَنْ لَمْ یَأْتِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ بِثَلَاثٍ فَقَدْ خَسِرَ.

قُلْتُ: وَ مَا الثَّلَاثُ؟ فِدَاكَ اَبِی وَ اُمِّی.

قَالَ: وَرَعٌ یَحْجُزُهُ عَمَّا حَرَّمَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیْهِ وَ حِلْمٌ یُرَدُّ بِهِ جَهْلَ الشُّفَهَاءِ وَ خُلُقٌ یُدَارِی بِهِ النَّاسَ.

ای ابوذر: هرکس در روز قیامت سه چیز همراه نداشته باشد زیانکار است. گفتم، پدر و مادرم فدای تو باد آن سه چیز چیست؟ فرمود: ورعی که او را از محرّمات خدای عزوجل بازدارد، و حلم (بردباری) که با آن با نادانی (بی خردان) سفیهان مقابله نماید، و خلق (نیکو) که با آن با مردم مدارا نماید.

۱۱۴. یا ابادرُّ: اِنْ سِیرَكَ اَنْ تَكُونَ اَقْوَى النَّاسِ فَتَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ وَ اِنْ سِیرَكَ اَنْ تَكُونَ اَكْرَمَ النَّاسِ فَاتَّقِ اللّٰهُ وَ اِنْ سِیرَكَ اَنْ تَكُونَ اَغْنَى النَّاسِ فَكُنْ بِمَا فِی یَدِ اللّٰهِ

عَزَّوَجَلَّ أَوْ تَقَّ مِنْكَ بِمَا فِي يَدَيْكَ.

ای ابوذر: اگر می خواهی نیرومندترین مردم باشی پس بر خدا توکل کن و اگر می خواهی (در نزد خدا) عزیزترین مردم باشی پس از خدا بترس و از نافرمانیش به پرهیز و اگر می خواهی بی نیازترین مردم باشی پس به آنچه پیش خدای عزوجل است مطمئن تر باش نسبت به آنچه در دو دست خودت می باشد.

۱۱۵. یا اباذر: لَوْ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ اخْتَدُوا بِهَذِهِ الْآيَةِ لَكَفَتْهُمْ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.» (۱)

ای ابوذر: اگر تمام مردم به این آیه رفتار و عمل می کردند همه را کفایت می کرد:

«وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ... یعنی هر کس از معصیت خدا بپرهیزد خدا برای او گشایشی قرار می دهد و از راهی که گمان ندارد به او روزی می بخشد و هر کس بر خدا توکل کند (و عاقبت کارهای خود را به او واگذار کند) از جهت کفایت مهمات او را بس خواهد بود، به درستی که خدا امر خود را به وجه کامل به انجام می رساند، محققاً خدا برای هر چیز (بر طبق مصلحت) اندازه و قدری معین فرموده است.»

۱۱۶. یا اباذر: يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يُؤْتِرُ عِبْدِي هَوَايَ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ وَ هُمُومَهُ فِي آخِرَتِهِ وَ ضَمَّنْتُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ رِزْقَهُ

ص: ۴۸

وَ كَفَفْتُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارِهِ كُلِّ تَاجِرٍ.

ای ابوذر: خدای تبارک و تعالی می فرماید به عزّت و جلالم سو گند، بنده من خواسته مرا بر خواسته خود مقدم نمی دارد مگر اینکه من او را در مکنون جانش بی نیاز می سازم (بی نیازیش را در باطنش قرار می دهم) و چنان می کنم که اندیشه ها و هم او مصروف امور اخروی او گردد و آسمان ها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و درآمد و حرفه او را نگهداری می کنم و من برای او خواهم بود فراسو و برتر از تجارت هر بازرگانی.

۱۱۷. یا ابادرّ: لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَذْرَكَهُ رِزْقُهُ كَمَا يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ.

ای ابوذر: اگر فرزند آدم از روزی خود بگریزد همانطوری که از مرگ می گریزد، روزی او بوی خواهد رسید چنانچه مرگ او را در می یابد.

۱۱۸. یا ابادرّ: اِلَّا اعْلَمُكَ كَلِمَاتٍ يَنْفَعُكَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِنَّ؟

قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله وسلم) ،

قَالَ: اخْفِظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، اخْفِظِ اللَّهَ تَجِدُهُ امامك، تَعْرِفِ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَّةِ وَ إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، فَقَدْ جَرَى الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلَوْ أَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ جَاهِدُوا أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يُكْتَبْ لَكَ، مَا قَدَرُوا عَلَيْهِ وَ لَوْ جَاهِدُوا أَنْ يُضَيَّرُوا بِشَيْءٍ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، مَا قَدَرُوا عَلَيْهِ، فَإِنْ اسْتِطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالرِّضَا وَ

الْيَقِينِ فَافْعَلْ وَ اِنْ لَمْ تَسِدْ تَطْعُ فَاصْبِرْ فَاِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلٰى مَا تَكَرَّرَ خَيْرًا كَثِيْرًا وَ اِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ الْفَرْجَ مَعَ الْكُرْبِ وَ اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.

ای ابوذر: آیا نیاموزم به تو سخنانی که خدای عزوجل تو را بدان سود بخشد؟

عرض کردم: بلی یا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم).

فرمود: (حرمت) خدا را (در زندگی) نگهدار تا ترا حفظ کرده، (حرمت و عظمت) خدا را نگهدار تا او را پیش روی خود یابی، خویشتن را در حال فراخی با خدا آشنا ساز تا تو را در حال تنگدستی و شدت بشناسد، هرگاه خواستی سؤال کنی، پس از خدای عزوجل سؤال بکن و هرگاه خواستی از کسی یاری جویی از خدا یاری جوی، پس به تحقیق که قلم بر آنچه تا روز قیامت خواهد شد جاری شده است، در نتیجه اگر تمام مردم بکوشند که سودی به تو برسانند که بر تو نوشته نشده است بر آن توانا نخواهند بود و همینطور اگر تمام مردم بکوشند که ضرری به تو برسانند که خدا بر تو ننوشته است بر آن توانا نخواهند بود، پس اگر توانستی که برای خدا کاری با رضا و یقین بکنی، بکن و اگر نتوانی پس صبر داشته باش زیرا که بر صبر و شکیبایی در تحمل آنچه از آن کراهت داری خیر فراوان مترتب است، و همانا پیروزی توأم با شکیبایی است و فرج و گشایش توأم با غم و اندوه است و به درستی که با هر دشواری آسانی توأم است.

۱۱۹. یا اباذَرُّ: اسْتَعْنِ بِعَنِي اللَّهُ يُعْنِكَ اللَّهُ.

فَقُلْتُ: وَ مَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ غَدَاءَ يَوْمٍ وَ عِشَاءَ لَيْلَةٍ، فَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ اغْنَى النَّاسِ.

ای ابوذر: خود را به آنچه خدا تو را به آن غنی ساخته غنی دان (و خودت را

محتاج دیگران مگردان) تا خدا تو را بی نیاز گرداند.

گفتم: چیست آن یا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)؟

فرمود: غذای صبحانه یک روز و شام یک شب، پس هر کس به آنچه خدا به او روزی عطا فرموده قناعت ورزد (راضی باشد و اظهار احتیاج نزد مردم نکند) او غنی ترین مردم است.

۱۲۰. یا اباذر: اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: اَنْتِ لَسْتِ كَلَامَ الْحَكِيمِ اتَّقَبَّلِ، وَ لَكِنْ هَمَّهُ وَ هَوَاهُ، فَاِنْ كَانَ هَمُّهُ وَ هَوَاهُ فِيمَا احَبُّ وَ ارْضَى جَعَلَتْ صُمْتَهُ حَمْدًا لِي وَ ذِكْرًا (وَ وَقَارًا) وَ اِنْ لَمْ يَتَكَلَّمْ.

ای ابوذر: خدای عزوجل می فرماید: سخن دانشمند حکیم را که بر زبان می راند (و در دلش غیر آن است) نمی پذیرم بلکه آن را می پذیرم که در دل دارد و آن مقصود و هدف اوست، اگر اراده و قصد او مصروف آنچه می خواهم و بدان رضایت دارم گردد، سکوت او را ستایش خود و ذکر (و وقار) گردانیده و به جای حمد و ثنا می پذیرم اگر چه سخن نگوید.

۱۲۱. یا اباذر: اِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَنْظُرُ اِلَى صُورِكُمْ وَ لَا اِلَى اَمْوَالِكُمْ وَ (اَقْوَالِكُمْ) وَ لَكِنْ يَنْظُرُ اِلَى قُلُوبِكُمْ وَ اَعْمَالِكُمْ.

یا اباذر: التَّقْوَى هِيْهْنَا وَ اِشَارَ اِلَى صَدْرِهِ.

ای ابوذر: خدای تبارک و تعالی به چهره های شما یا به دارایی شما (و گفته های شما) نمی نگرد بلکه به دلها و اعمال شما می نگرد، آنگاه اشاره به سینه خویش فرمود: و گفت ای ابوذر تقوا اینجا، جایگزین می گردد.

۱۲۲. یا ابادر: اَرْبَعٌ لَا يُصِيْبُهُنَّ اِلَّا مُؤْمِنٌ الصَّمْتُ وَ هُوَ اَوَّلُ الْعِبَادَةِ وَ التَّوَاضُّعُ لِلّٰهِ سُبْحَانَهُ وَ ذِكْرُ اللّٰهِ تَعَالٰی عَلٰی كُلِّ حَالٍ وَ قَلَّةُ الشَّيْءِ يَعْنِي قَلَّةُ الْمَالِ.

ای ابوذر: چهار چیز است که کسی جز انسان با ایمان به آن ها نمی رسد ( ۱ ) سکوت (با معنا) و آن اوّل (درجه) عبادت و بندگی است، ( ۲ ) تواضع (برای یا) به خاطر خداوند سبحان، ( ۳ ) یاد خداوند متعال کردن در همه حالات ( ۴ ) و کم چیزی یعنی کمی مال. (زیرا شخص با ایمان نه تنها از مال حرام باید اجتناب کند و می کند بلکه از مال و چیز مشتبه به حرام هم احتیاط و اجتناب می نماید و لذا غالباً کم مال است.)

۱۲۳. یا ابادر: هُمْ بِالْحَسَنَةِ وَ اِنْ لَمْ تَعْمَلْهَا لِكَيْلًا تُكْتَبَ مِنَ الْغَافِلِينَ.

ای ابوذر: قصد کار نیک کن اگر چه انجام ندهی تا از غافلان شمرده نگردی.

۱۲۴. یا ابادر: مَنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ فَخْدَيْهِ وَ مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. قُلْتُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)

إِنَّا لَنُؤَاخِذُ بِمَا تَنطِقُ بِهِ السُّنَنُ؟

قال: يا ابادر: وَ هَلْ يَكُوبُ النَّاسَ عَلٰی مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ اِلَّا حَصَائِدُ السَّبْتِ؟ اِنَّكَ لَا تَزَالُ سَالِمًا مَا سَكَتَ فَإِنْ تَكَلَّمْتَ كُتِبَ لَكَ اَوْ عَلَيْكَ.

ای ابوذر: هر کس مابین دوران خود (یعنی عورت) و مابین دو فک خود (یعنی دهان و زبان را از گناه) حفاظت کند داخل بهشت گردد.

گفتم: یا رسول الله ما بر آنچه با زبانمان می گوئیم آیا حتماً مورد مؤاخذه قرار می گیریم؟

فرمود: ای ابوذر آیا مردم را به روی در آتش جهنم می افکند جز نتایج زبانهای ایشان؟ تو مادامی که ساکت هستی سالمی و تالِب، به سخن گشودی به سود یا زیان تو نوشته می شود.

### وای بر کسی که سخن دروغ می گوید

۱۲۵. یا اباذَرُّ: الرَّجُلُ يَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فِي الْمَجْلِسِ لِيُضْحِكَهُمْ بِهَا فَيَهْوَى فِي جَهَنَّمَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

یا اباذَرُّ: وَيْلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ وَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ.

ای ابوذر: مردی در انجمنی سخنی می گوید تا حاضران را به سبب آن سخن بخنداند، پس به قدر فاصله زمین تا آسمان در آتش جهنم فرو می افتد.

ای ابوذر: وای بر کسی که سخن دروغ می گوید تا مردم را بخنداند وای بر او باد، وای بر او باد، وای بر او باد.

۱۲۶. یا اباذَرُّ: مَنْ صَمَتَ نَجَى فَعَلَيْكَ بِالصِّدْقِ وَلَا تَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكٍ كَذِبُهُ أَبَدًا.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَوْبَةُ الرَّجُلِ الَّذِي يَكْذِبُ مُتَعَمِّدًا؟

فَقَالَ: الْأِسْتِغْفَارُ وَالصَّلَاةُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ ذَلِكَ.

ای ابوذر: هر کس سکوت کند نجات می یابد، پس بر تو باد به راستگویی و البته باید هرگز سخن دروغ از دهان تو بیرون نیاید.

گفتم: یا رسول الله پس توبه کسی که عمدتاً دروغ گوید چیست؟

فرمود: طلب آمرزش کردن (از خدا) و نمازهای پنجگانه (اثر بدی) آن را می شوید.

۱۲۷. یا ابادر: ایاکَ وَ الْغِیْبَهُ فَإِنَّ الْغِیْبَهُ أَشَدُّ مِنَ الزَّنا.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ ذَلِکَ بِأَبی أُنْتَ وَ أُمّی؟

قال: لَأَنَّ الرَّجُلَ یَزْنِی وَ یَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فِیَتُوبُ اللَّهُ عَلَیْهِ، وَ الْغِیْبَهُ لَا تُغْفَرُ حَتَّى یَغْفِرَها صَاحِبُها.

ای ابوذر: خویشتن را از غیبت دور ساز زیرا (گناه) غیبت کردن از (گناه) زنا سخت تر است.

گفتم: یا رسول الله پدر و مادرم فدای توباد، به چه علت؟

فرمود: زیرا شخص، زنا کرده و سپس توبه می کند پیش خدا پس خدا توبه اش را می پذیرد (از او در می گذرد) ولی غیبت کننده آمرزیده نمی شود مگر آن کسی را که غیبت کرده، بر او بیخشد و از او در گذرد.

۱۲۸. یا ابادر: سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتَالُهُ کُفْرٌ وَ اَکْلُ لَحْمِهِ مِنْ مَعَاصِی اللَّهِ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ کَحُرْمَةِ دَمِهِ.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ وَ ما الْغِیْبَهُ؟

قال: ذِکْرُکَ اِخَاکَ بِما یُکْرَهُ.

قُلْتُ: یا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ کانَ فِیهِ ذَاکَ الَّذِی یُذْکَرُ بِهِ.

قال: اَعْلَمَ اَنَّکَ اذا ذَکَرْتَهُ بِما هُوَ فِیهِ فَقَدْ اَعْتَبْتَهُ وَ اذا ذَکَرْتَهُ بِما لَیْسَ فِیهِ فَقَدْ بَهَتْتَهُ.

ای ابوذر: ناسزا گفتن به مؤمن فسق است و مقاتله با او کفر است و خوردن گوشت او (به غیبت) از معصیت های خدا است و احترام مال او مانند احترام خون اوست.

گفتم: یا رسول الله غیبت چیست؟ فرمود: (غیبت آن است) که درباره برادر

دینی ات سخنی بگوئی که از آن بدش می آید، گفتم: یا رسول الله اگر آنچه درباره او گفته می شود در او موجود باشد؟ فرمود: بدان که اگر آنچه را که در او هست بگوئی غیبت او را کرده ای، و اگر آنچه را که در او نیست بدو نسبت دهی بر او بهتان زده ای. (و تهمت روا داشته ای).

۱۲۹. یا ابادرُّ: مَنْ ذَبَّ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ (الْمُؤْمِنِ) الْغَيْبَةَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ.

ای ابوذر: هر کس از غیبت برادر مسلمان (مؤمن) خود جلوگیری نماید بر خدای عزوجل است که او را از آتش جهنم آزاد سازد.

۱۳۰. یا ابادرُّ: مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ وَ هُوَ يَسْتَطِيعُ نَصِيرَهُ فَنَصِيرَهُ، نَصِيرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَإِنْ خَذَلَهُ وَ هُوَ يَسْتَطِيعُ نَصْرَهُ خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

ای ابوذر: هر کس که پیش او از برادر مسلمانش غیبت شود و او توانائی یاری او را داشته و به او یاری کند خداوند عزوجل او را در دنیا و آخرت یاری کند ولی اگر از یاری او خودداری نماید با اینکه بر آن توانا باشد خدا در دنیا و آخرت یاری خود را از او بازدارد.

۱۳۱. یا ابادرُّ: لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ.

قُلْتُ: وَ مَا الْقَتَاتُ؟

قال: النَّمَامُ، يا ابادرُّ: صَاحِبُ النَّمِيمَةِ لَا يَسْتَرِيحُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ

ای ابوذر: قنات داخل بهشت نگرده، پرسیدم قنات کیست؟ فرمود: قنات کسی است که سخن چینی می نماید، ای ابوذر: سخن چین در آخرت از عذاب خدای عزوجل راحت نشود.

۱۳۲. یا ابادر: مَنْ كَانَ ذَا وَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ ذُو لِسَانَيْنِ فِي النَّارِ.

ای ابوذر: هر که در دنیا دو روی و دو زبان باشد پس او در آتش جهنم (دو روی) دو زبان خواهد بود.

۱۳۳. یا ابادر: الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَأَفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ وَاجْتَنِبْ مَجْلِسَ الْعَشِيرَةِ. (۱)

ای ابوذر: مجالس به امانت است و فاش کردن سِرِّ برادر مؤمنت خیانت است پس از آن اجتناب و از مجلس عشیره نیز دوری کن. (اجتناب نما)

۱۳۴. یا ابادر: تُعْرَضُ أَعْمَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ فِي يَوْمَيْنِ الْاِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَيَغْفَرُ لِكُلِّ عَبْدٍ مِّنَ الْاَعْبَادِ كَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءُ فَيُقَالُ اَتْرَكُوا عَمَلَ هَذَيْنِ حَتَّى يَصْطَلِحَا.

ص: ۵۶

---

۱- (۱) - مرحوم علامه مجلسی برای اجتناب از مجلس عشیره چند معنی کرده معنی اول که به نظر می رسد مناسب تر باشد چنین است: (اجتناب کن از مجلسی که خویشان با یکدیگر می نشینند و بد مردم را می گویند).

ای ابوذر: اعمال اهل دنیا از جمعه تا جمعه دیگر در (هر هفته) دو روز دوشنبه و پنجشنبه بر خدا عرضه می شود، (۱) پس هر بنده مؤمنی را می آموزد مگر بنده ای که میان او و برادرش عداوت و کینه باشد پس (در باره این دو) گفته می شود عمل این دو را به حال خود واگذارید تا وقتی که با هم سازش نمایند. (صلح کنند)

۱۳۵. یا ابادر: ایاک و هجران اخیک فان العمل لا یتقبل مع الهجران یا ابادر: انهاک عن الهجران، و ان کنت لا ید فاعلا فلا تهجره (فوق) (۲) ثلاثه: ایام کمالا، فمن مات فیها مهاجراً لآخیه کانت النار اولى به.

ای ابوذر: از متارکه (و قهر) با برادرت اجتناب کن زیرا که عمل (خیر) با قهر و متارکه به درجه قبولی نمی رسد.

ای ابوذر: تو را از متارکه (دوری کردن) نهی می کنم، و اگر ناچار شدی از متارکه، سه روز تمام با برادرت متارکه نکن، پس کسی که در آن حال هجران با برادر خود بمیرد آتش به او سزاوارتر است. (ظاهراً مقصود از این هجران قهر و دوری و کناره گیری از روی خشم و غضب بر برادر مؤمن است).

۱۳۶. یا ابادر: من احب ان یتمثل له الرجال قیاماً فلیتبوء مفعده من النار.

ای ابوذر: هر کس دوست بدارد مردان در برابرش بایستند پس باید نشیمنگاه خود را در آتش جهنم قرار دهد و (مهینا بداند).

ص: ۵۷

---

۱- (۱) - عرضه داشتن اعمال به درگاه الهی با احاطه علم خدا بر تمام موجودات منافاتی ندارد.

۲- (۲) - کلمه (فوق) که در بعض کتابها هست احتمالاً زیادی باشد.

۱۳۷. یا ابادر: مَنْ مَاتَ وَفِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ قَبْلَ ذَلِكَ.

فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَيُعْجِبُنِي الْجَمَالُ حَتَّى وَدَدْتُ أَنْ عَلاقَهُ سَوَاطِي وَقَالَ نَعْلَى حَسَنٌ فَهَلْ يُرْهَبُ عَلَيَّ ذَلِكَ؟

قَالَ: كَيْفَ تَجِدُ قَلْبَكَ؟

قَالَ: اجِدُهُ عَارِفًا لِلْحَقِّ مُطْمَئِنًّا إِلَيْهِ.

قَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ بِالْكِبَرِ، وَلَكِنَّ الْكِبَرَ أَنْ تَتْرَكَ الْحَقَّ وَتَتَجَاوَزَهُ إِلَى غَيْرِهِ وَتَنْظُرَ إِلَى النَّاسِ وَلَا تَرَى أَنَّ أَحَدًا عَرَضُهُ كَعَرَضِكَ وَ لَا دَمُهُ كَدَمِكَ.

ای ابوذر: هر کس بمیرد و در دل او به قدر سنگینی ذره ای از کبر باشد بوی بهشت را نیابد مگر آن که پیش از مرگ توبه کند، مردی گفت: یا رسول الله من زیبایی را دوست دارم تا آنجا که می خواهم بند تازیانه و بند کفش پایم زیبا باشد آیا از این (برمن) باید ترسید و دوری کرد؟ (که مبدا کبر باشد) حضرت فرمود: دل خود را چگونه می یابی؟ گفت: دلم بحق آشنا و بر آن ثابت است فرمود: آن کبر نیست و لکن کبر آن است که حق را ترک گوئی و از آن تجاوز نمائی به غیر آن و به مردم چنان بنگری که انگار حیثیت (آبروی) کسی مثل آبرو و حیثیت تو نیست و خونس مثل خون تو نیست. (یعنی خود را در هر باب بر مردم برتری دهی، و دیگران را حقیر شماری).

### آیا کسی از تکبر (خود بزرگ بینی) نجات می یابد؟

۱۳۸. یا ابادر: أَكْثَرُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ الْمُسْتَكْبِرُونَ.

فَقَالَ رَجُلٌ: وَ هَلْ يَنْجُو مِنَ الْكِبَرِ أَحَدٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: نَعَمْ، مَنْ لَبَسَ الصُّوفَ وَ رَكِبَ الْحِمَارَ وَ حَلَبَ الْعَنْزَ وَ جَالَسَ الْمَسَاكِينَ، يَا اِبَادِرُّ: مَنْ حَمَلَ بِضَاعَتَهُ فَقَدْ بَرِيَءَ مِنَ الْكِبْرِ يَعْنِي مَا يَشْتَرَى مِنَ السُّوقِ.

ای ابوذر: بیشتر کسانی که به آتش داخل می شوند مردمان متکبر هستند مردی گفت یا رسول الله آیا کسی از تکبر (خود بزرگ بینی) نجات می یابد؟

فرمود: آری، کسی که لباس پشمینه بپوشد و سوار الاغ شود و بُز بدوشد(۱) و با فقرا همنشینی کند.

ای ابوذر: هر کس آنچه را که از بازار خریده است به دست خویش به خانه برد از کبر، دُور و بَری گشته است.

۱۳۹. يَا اِبَادِرُّ: مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خِيَلَاءَ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ. يَا اِبَادِرُّ: اِزْرَهُ الْمُؤْمِنُ اِلَى اَنْصَافِ سَاقَيْهِ وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ كَعْبَيْهِ.

ای ابوذر: هر کس لباس خود را از روی تکبر بر زمین بکشد روز قیامت خداوند عزوجل بر وی نظر رحمت ننماید.

ای ابوذر، مرد مؤمن شلوار و لباس پائین (پائین لباسش) تا نصف های ساق های پایش می باشد (یعنی از حیث تواضع بهتر است) و بدی و عیبی بر او نیست در آنچه (پائین لباس) مابین ساق و بین قوزه های پایش باشد. (یعنی پائین تر و بلندتر از قوزه نباشد).

ص: ۵۹

---

۱- (۱) - این دستور به اقتضای زمان پیغمبر و برای آن است که در آن زمان به آن گونه کارها شکسته نفسی حاصل می شد. و کبر و تکبر شکسته می شد ولی در این زمان بعضی آنها میسر نیست.

۱۴۰. یا ابادرُّ: مَنْ رَفَعَ ذَيْلَهُ وَ خَصَفَ نَعْلَهُ وَ عَفَّرَ وَجْهَهُ فَقَدْ بَرِيَءَ مِنَ الْكِبْرِ.

ای ابوذر: هر کس دامن خود را کوتاه نماید (یعنی تا حدود ساق و قوزه پا) و کفش خود را وصله زند و (پیشانی) صورت خود را (در سجده برای خدا) بر خاک بمالد از کبر دور (و بری) می گردد.

۱۴۱. یا ابادرُّ: مَنْ كَانَ لَهُ قَمِيصَانِ فَلْيَلْبَسْ أَحَدَهُمَا وَ لْيَلْبَسِ الْآخَرَ إِخَاهُ.

ای ابوذر: هر کس دو پیراهن دارد یکی را خودش بپوشد و دیگر را به برادرش (۱) بپوشاند.

۱۴۲. یا ابادرُّ: سَيِّئُ كُونِ نَاسٍ مِنْ أُمَّتِي يُوَلِّدُونَ فِي النَّعِيمِ وَ يَغْدُونَ بِهِ، هِمَّتُهُمُ الْوَأْنُ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ يُمِدُّ حُونَ بِالْقَوْلِ أَوْلِيكَ شِرَارُ أُمَّتِي.

ای ابوذر: به زودی گروهی از امت من خواهند بود که در میان ناز و نعمت متولد و با غذاهای لذیذ (و نعمت ها) نشو و نما کنند همت آنان خوردنیها و نوشیدنیهای گوناگون است مردم آنان را مدح و ثنا گویند، آنان شرار و بدان امت من هستند.

۱۴۳. یا ابادرُّ: مَنْ تَرَكَ لِبْسَ الْجَمَالِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ تَوَاضَعًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (فَقَدْ)

ص: ۶۰

---

۱- (۱) - ظاهراً مراد هنگامی است که برادر مسلمان برهنه باشد او نیز توانائی آن را نداشته باشد که برای وی لباس خریداری کند در این صورت خوبست که یکی از لباسهای خود را به تن او بپوشاند.

ای ابوذر: هر کس (زینت) و پوشیدن لباس زیبا را از روی تواضع برای خداوند عزوجل ترک نماید در حالی که بر آن توانائی دارد خداوند تبارک و تعالی بر تن او حله کرامت بپوشاند.<sup>(۱)</sup>

توضیح: این که زیور و زینت و لباس زیبا اگر از حلال باشد و از تکبر و خودنمائی و خود فروشی نباشد مباح و جایز است ولی ترک آن به جهت تواضع و فروتنی برای خدا نیکو و پسندیده است.

۱۴۴. یا اِبادُ: طُوبَى لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ تَعَالَى فِي غَيْرِ مَنَقَصِهِ وَ اَذَلَّ نَفْسَهُ فِي غَيْرِ مَسِيكِنِهِ وَ اَنْفَقَ مَالًا جَمَعَهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةٍ وَ رَحِمَ اَهْلَ الدُّلِّ وَ الْمَسْكِنَةَ وَ خَالَطَ اَهْلَ الْفِقْهِ وَالْحِكْمَةِ، طُوبَى لِمَنْ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَ حَسَنَتْ عِلَائِيَّتُهُ وَ عَزَلَّ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ طُوبَى لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ وَ اَنْفَقَ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ اَمْسَكَ الْفُضْلَ مِنْ قَوْلِهِ.

ای ابوذر: خوشا به حال کسی که بدون اینکه نقصی (دینی یا دنیوی) داشته باشد برای خدای متعال تواضع و فروتنی نماید (نزد مردم) و خویشتن را بدون بی مالی و احتیاج، رام و کوچک دارد و مالی را که در غیر معصیت (خدا) اندوخته است انفاق و صرف نماید و به بیچارگان و محتاجان ترحم نماید، و با اهل فقه (و

ص: ۶۱

---

۱- (۱) - بدیهی است که در شرع مقدس اسلام لباس زیبا پوشیدن مباح است و زینت نیز تحریم نشده در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو ای پیغمبر زینتهائی که خدا برای بندگان خود فراهم ساخته تحریم نشده است. بلکه آنچه مذموم است و در این حدیث نیز پیامبر گرامی اسلام از آن نکوهش نموده آن است که انسان لباسهای فاخر بپوشد تا خود را بر دیگران برتری دهد و مردم را به حسرت وادارد.

دانش) و حکمت همنشینی (همگرایی) کند، خوشا به حال کسی که اندرونش صالح و شایسته و آشکار و بیرونش نیکو باشد و شرّ و بدی خود را از مردم بازدارد، و خوشا به حال کسی که علم خویش را به کار بندد، (و به علم خود عمل کند) و مازاد دارائی خویش را (در راه خدا) انفاق نماید و گفتار (زبان) خویش را از سخن بیجا (و زیاده از نیاز) بازدارد.

۱۴۵. یا ابادرّ: البس الخشن من اللباس و الصفيق من الثياب لئلا يجد الفخر فيك مسلکاً.

ای ابوذر، جامه زبر و لباس خشن و پیراهن درشت باف را بر تن کن تا (تکبر) و فخر در تو راه نیاید.

۱۴۶. یا ابادرّ: یكون في آخر الزمان قوم یلبسون الصوف في صیفهم و شتائهم و یرون أنّ لهم الفضل بذلك علی غیرهم، اولئک تلعنهم ملائکة السموات والأرض.

ای ابوذر: گروهی در آخر الزمان پدید آیند که در تابستان شان و زمستان شان لباس پشم می پوشند و گمان می برند که با این لباس پشم پوشی بر دیگران برای آنان (فضلی می باشد و) فزونی یافته اند (ظاهراً مراد فرقه صوفیه هستند) آنها ایند که ملائکه آسمانها و زمین بر آنان لعنت می کنند.

۱۴۷. یا ابادرّ: الا خبرک باهل الجنة؟

قُلْتُ: بَلِي يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: كُلُّ اشْعَثٍ اغْبَرِ ذِي طِمْرَيْنٍ لَا يُؤْبَهُ بِهِ لَوْ اُقْسَمَ عَلَيَّ اللَّهُ لَا بَرَّهٗ.

ای ابوذر: می خواهی تو را به اهل بهشت خبر دهم؟

عرض کردم: بلی یا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم).

فرمود: هر ژولیده موی گردآلود که دو جامه کهنه پوشیده باشد و اعتنا و توجهی به او نباشد (یعنی مردم او را خوار و بی مقدار شمارند، مؤمن فقیری که بعلت فقر لباس فاخر به تن نداشته و وضع ظاهریش با انسانهای مرفه سازگاری نداشته باشد، و بدین علت مردم به او اعتنایی نمی کنند و او هم باکی به عدم اعتنا مردم ندارد پس اهل بهشت است) اگر خدا را سوگند دهد البته خداوند قسم و دعای او را قبول فرماید و (خواسته او را رد نکند).

\*\*\*

خداوند متعال را شکر می نمایم که این بنده ناچیز خود را توفیق کرامت فرمود تا در مورد این حدیث شریف و معتبر در حد امکان از حیث لفظ و معنا تحقیق نمودم و با وقتی و دقتی نه چندان کم در تصحیح و تکمیل ترجمه و تطبیق متن با مدارک اولیه کوشش نمودم و با این حال ادعا ندارم که هیچ خطا و اشتباهی ندارد زیرا که بیش از یک بشر ناقص نیستم.

العبد خیرالله سلیم زاده

ص: ۶۳

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

